

# The theory of economics of national orderliness and security of the Islamic Republic of Iran; A holistic economic dynamics map

*Hosein Dorri Nogourani*<sup>1</sup>

Type of article: A research paper extracted from the Faraja Center for Strategic Studies research project

Received:16/01/2023

Accepted: 01/03/2023

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.8/NO.1(serial27)/Spring 2023\*55-102



DOR: 20.1001.1.25381946./ssj.2023.100980

## Abstract

It is very important to have a relatively clear and formalized idea of the dynamics of orderliness and national security from an economic point of view (in the analytical sphere of economics) using expressive and useful symbols in order to avoid confusion. In addition, an Irregular and unmethodical (untheorized) economical study of the phenomena related to public order arrangement and national security causes confusion in opinions and incoherence in planning and hesitation in action and waste of resources and finally, the emergence of results and consequences inconsistent with the goals. The present article is a very condensed extract from a research and theoretical report in the field of economics of national orderliness and security of the Islamic Republic of Iran. In the aforementioned research, it has been tried to represent the dynamic abstracted reality of orderliness and security from an economic point of view in the form of a theory with a methodical and scientific approach. For this purpose, first, the scientific literature and concepts related to scientific theory and theorizing, national order and security were reviewed, and then the practical concepts needed in the process of theorizing, in the field of "nature and analytical tools of economics" and "national orderliness" and "national security" have been deduced and reported. This scientific literature and concepts include the achievements of creative thinking of experts and teachings derived from Quranic culture, especially considering some concepts of the semantic networks. The basic theory of Moghavematy Economy has been used as the main foundation for theorizing.

**Keywords:** Public order, national order, national security, resistance economy, economic theory.

---

1. Assistant Professor, Resistance Economy Center, Imam Hossein(AS) University, Tehran, Iran, hos\_dorri@yahoo.com

# نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ نقشه پویایی اقتصادی کل نگرانه

حسین درّی نوگورانی<sup>۱</sup>

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از پروژه تحقیقاتی مرکز مطالعات راهبردی فراجا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/سال هشتم/شماره ۱ (پیاپی ۲۷) - بهار ۱۴۰۲ \* ۵۵-۱۰۲



DOR: 20.1001.1.25381946/SSJ.2023.100980

## چکیده

داشتن تصویری نسبتاً روشن و رسمیت یافته از نحوه پویایی انتظام و امنیت ملی از منظری اقتصادی (در سپهر تحلیلی علم اقتصاد) با استفاده از نمادهایی گویا و مفید، در جهت جلوگیری از سردرگمی، بسیار مهم است. به علاوه، تحلیل بی ضابطه و غیرروشمند (نظریه پردازی نشده) اقتصادی از پدیده‌های مرتبط با نظم عمومی و امنیت ملی، موجب تشتت در آرا و عدم انسجام در برنامه‌ریزی و تزلزل در اقدام و اتلاف منابع و سرانجام، پدید آمدن نتایج و پیامدهایی ناسازگار با اهداف می‌گردد. مقاله حاضر، برگرفته‌ای بسیار فشرده از پژوهشی نظریه‌پردازانه در عرصه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ که در آن سعی شده است تا با رویکردی روشمند و علمی، واقعیت پویای انتظام و امنیت از دیدگاهی اقتصادی در قالب یک نظریه، انتزاع (برساخته و بازنمایی بدلی) شود. به این منظور، ابتدا ادبیات علمی و مفاهیم مرتبط با نظریه و نظریه‌پردازی علمی، نظم و امنیت ملی مرور و سپس مفاهیم کاربردی مورد نیاز در فرآیند نظریه‌پردازی، در عرصه "ماهیت و ابزارهای تحلیلی علم اقتصاد"، "انتظام ملی" و "امنیت ملی" احصا گردیدند. این ادبیات علمی و مفاهیم، شامل دستاوردهای تفکر خلاقانه اندیشمندان و آموزه‌های برگرفته از فرهنگ قرآنی، به‌ویژه با ملاحظه برخی مفاهیم شبکه‌های معنایی هستند. در جمهوری اسلامی ایران، فضای تحلیلی یادشده، با فضای گفتمانی اقتصاد مقاومتی دارای سازگاری کامل است؛ از این رو، در نظریه‌پردازی حاضر، از "نظریه مبنایی اقتصاد مقاومتی" به‌عنوان شالوده اصلی و نظریه پایه برای ارائه نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** نظم عمومی، انتظام ملی، امنیت ملی، اقتصاد مقاومتی، نظریه‌پردازی اقتصادی.

## مقدمه

علم اقتصاد، بررسی کاربرد منابع برای دستیابی به خواسته‌ها و اهداف بدیل بشری است و دستیابی به این خواسته‌ها و اهداف، با ملاحظه منابع محدود، نیازمند درک عمیق و صحیح و به‌هنگام و نیز انتخابی کارآمد است که با تحلیل اقتصادی میسر می‌گردد. یکی از این خواسته‌ها و اهداف اساسی و حیاتی، امنیت است که همچون فضای تنفس برای زندگی اجتماعی و فعالیت بشری ضروری است. با وجود این نیاز آشکار اساسی، تحلیل اقتصادی ابعاد و موضوعات مختلف انتظام و امنیت و امور مرتبط که در قالب اصطلاح "اقتصاد انتظام و امنیت" می‌گنجد، در جمهوری اسلامی ایران، کمتر مورد توجه علمی قرار گرفته‌است و جنبه‌های مبنایی و نظری آن نیز چندان با نگرش بومی و مبناسازی ارزش‌های اسلامی - انقلابی مورد بررسی عمیق واقع نشده‌است. در قلمرو تحلیل اقتصادی نیز ابهامات علمی و شناختی در عرصه نظری و کاربردی انتظام و امنیت به این غفلت افزوده‌است.

بر این اساس، بهره‌مندی از درکی صحیح و نظریه‌ای استوار، منسجم و همه‌فهم درباره انتظام و امنیت ملی، تحلیل اقتصادی این امر را امکان‌پذیر می‌کند؛ درحالی‌که ورود به این مبحث، بدون یک نظریه مستحکم جامع‌نگر، حاصلی جز ابهام و خلط موضوعات و کاستی در شناخت و برنامه‌ریزی و اقدام را موجب نخواهد شد. درواقع، بدون یک نظریه متقن، رواج برخورد سلیقه‌ای و تصمیمات مبتنی بر چانه‌زنی‌های جانبدارانه، می‌تواند به بی‌عدالتی و رانت‌جویی و سرانجام، فساد انجامیده و کشور را به‌جای دستیابی به اهداف عالی خود، دچار رکود نموده و بلکه رو به عقب سوق دهد. در این صورت، نه‌تنها توصیف علمی گذشته و حال در هاله ابهام و منازعه‌آمیز خواهد بود، بلکه نگرش خردورزانه ضابطه‌مند به آینده محتمل و ممکن نیز دچار نارسایی خواهد شد.

مقاله حاضر - که برگرفته از یک کار پژوهشی نظریه‌پردازانه است - با هدف ارائه چارچوب تحلیلی (مفهومی) علمی به‌منظور توصیف غیرمقداری (فرموله‌نشده) عناصر اصلی دخیل در عرصه اقتصاد انتظام و امنیت ملی و نحوه تعامل آنها در جمهوری اسلامی ایران، در قالب یک نظریه علمی به

نگارش درآمده است تا با عرضه به خبرگان و صاحب‌نظران و نظرخواهی‌ها (همفکری‌های هم‌افزا)، تا حد امکان به‌سوی فرموله‌کردن و بهره‌برداری آزمودنی در محیط انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گام بردارد.

باتوجه به وسعت موضوعات و پیچیدگی فراوان روابط در قلمرو تعیین‌شده، در مقاله حاضر، موضوع "اقتصاد انتظام و امنیت ملی"، با ملاحظه عناصر اصلی محوری، جهت شکل‌گیری یک تصور و تصویر نسبتاً جامع کلی مدنظر قرار گرفته است؛ بنابراین، تفصیل و گسترش مبنایی ابعاد، جوانب و عناصر دخیل متعدد (جزئیات هر یک از بخش‌ها، عناصر و روابط)، باید متناسب با اهداف کاربردی و کاربران مختلفی که در این عرصه فعال و نقش‌آفرین هستند، صورت پذیرد.

## مبانی نظری پژوهش

### الف. مفهوم و برخی ویژگی‌های نظریه

به‌منظور ارائه نظریه (نظریه‌پردازی) درباره یک موضوع، باید ابتدا مفهوم، کاربردها، رویکردها و روش‌ها، ویژگی‌ها و معیارهای یک نظریه خوب درک و آنگاه به‌درستی به کار گرفته شوند. مروری بر مطالبی که نظریه‌پردازی در آنها کاربرد تخصصی دارد، نشان می‌دهد که بدفهمی‌ها در این عرصه، اختلال‌هایی جدی در کنکاش‌های علمی نوآورانه و خلاقانه بومی ایجاد کرده‌است.

واژه "نظریه" که در فارسی و عربی کاربرد دارد<sup>۱</sup>، از نظر لغوی، اسمی است که به رأی، اندیشه، عقیده و همچنین، حدس و گمان معنا می‌شود. کلمه Theory که معادل انگلیسی "نظریه" تلقی می‌شود نیز از یک فعل یونانی به‌معنای "در نظر داشتن/اندیشیدن"<sup>۲</sup> (بررسی کردن و نگریستن) گرفته شده‌است.

در ادبیات علمی، تعریف‌های "نظریه"، از ساده و موجز تا پیچیده و مفصل،

۱. بنا بر فرهنگ فارسی عمید و المعجم الوسیط (فرهنگ واژگان عربی به عربی)، از نظر لغوی، «نظریه» قضیه‌ای است که اثبات صحت آن، محتاج به برهان و دلیل باشد و در فلسفه، گروهی از آرا است که برخی وقایع علمی یا فنی (تخصصی) با آنها تفسیر می‌شود.

قابل دستیابی است. برکنار از اختلاف نظرهای فراوان<sup>۱</sup>، از نظر اصطلاحی<sup>۲</sup>، "نظریه"<sup>۳</sup>، انتزاع (برساخته و بازنمایی / نسخه بدلی<sup>۴</sup>) واقعیت پدیده مورد نظر، متضمن عناصر قوام بخش و نحوه تعامل محتمل بین آنها است. به تعبیر دیگر، "نظریه" بیانی کلی است که مجموعه‌ای از پدیده‌ها را در برمی‌گیرد و رابطه حدسی<sup>۵</sup> (گمانه‌ای - آنچه به‌طور واقعی یا فرضی انتظار می‌رود<sup>۶</sup>) بین و در میان متغیرها را به‌صورتی منسجم توصیف، توضیح و بازنمایی می‌کند. نظریه، سازمان‌دهی سامان‌مند دانش است که می‌تواند برای حل مسئله به کار رود و ترکیبی از سازه‌های<sup>۷</sup> مختلف مانند توانایی توصیفی، قدرت توضیحی، ارزش اکتشافی، آزمون‌پذیری، ادغام، ایجاز، وضوح، جامعیت و تعیین حدود می‌باشد. نظریه، در واقع، از طریق تحقیق پالایش می‌شود و درک این سازه‌ها، پالایش نظریه را امکان‌پذیر می‌کند. این فرآیند، پویایی نظریه را تأمین می‌کند.

نظریه‌ها را می‌توان به‌عنوان سامانه‌های فکری توصیف کرد<sup>۸</sup>؛ یعنی چرخه‌های توضیح و توصیف منسجم (سامان)، استوار و مقبول (باقابلیت) که ماهیتاً تکرار شونده هستند و هرگز کامل نیستند و هدفشان شکل‌دهی رویه بهبود یافته است.

### ب. تناظر نظریه و نظریه‌پردازی با نقشه، نقشه‌کشی و معماری

در تمایز بین نظریه و نظریه‌پردازی گفته می‌شود که "نظریه‌سازی"، فرآیند مداوم تولید، تأیید / رد، کاربست و انطباق و پالایش نظریه است. نظریه‌پردازی،

۱. از جمله ر. ک [Thomas, 2017: 232] و [Moustafa, 2014]

۲. برای تهیه این قسمت، از منابع ذیل استفاده و مطالب آنها تلفیق شده است:

[Thomas, 2017] و [Moore, 1991] و [Thalheim, 2011] و [Gay, 2011] و [Torraco, 2002] و [Lincoln and Lynham, 2011] و [ORaghallaigh and . . . , 2010]

۳. برای درک مفهوم «نظریه»، درک تمایز آن از اصطلاحات مرتبط مانند «پارادایم»، «فرضیه»، «مفهوم» و «الگو»، مهم است.

۴. از جمله، در رویکرد «پویایی‌شناسی سیستم‌ها» از این تعبیر استفاده می‌شود. در این باره ر. ک. [احمدوند و عرب حلوانی،

۱۳۸۸] و [محسنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۴]

#### 5. Suspected

#### 6. Expectation whether factual or assumed

۷. Constructs. ساختار را باید مشتمل بر عناصر و متغیرهای دخیل در نظر گرفت.

۸. از این رو، برای درک جایگاه اصلی نظریه (صریح و ضمنی) باید خاطر نشان شود که نظریه در واقع، بیانگر نظام‌مند نحوه نگرش،

مبنای قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، تدوین نقشه‌راه و ... در قلمرو پدیده مورد نظر است.

به مفهوم‌سازی، سازمان‌دهی دانش، نمایاندن اختلاف‌نظرها و همچنین، استفاده دقیق‌تر و متفکرانه‌تر از اصطلاحات کمک می‌کند. شایان‌ذکر است که در یک نگرش رویکردی به نظریه‌پردازی، از یک دیدگاه، محقق و مفروضات او است که رویکرد مورد استفاده نظریه را تعیین می‌کند. در این میان، روش داده‌بنیاد (متنی - گراند تئوری)<sup>۱</sup>، روشی کیفی برای توسعه نظریه در مدیریت است و روش پویایی‌شناسی سیستم‌ها<sup>۲</sup>، روشی برای طراحی الگو می‌باشد که برنامه‌ریزان، از آن به منظور شناسایی رفتار پدیده‌های واقعی و ترسیم تصویری بدلی (قراردادی) از این پدیده‌ها استفاده می‌کنند.

بر اساس آنچه گفته شد، از برخی جنبه‌ها، "نظریه" به "نقشه" و "نظریه‌پردازی" به "نقشه‌کشی (نقشه‌برداری)" و "معماری" قابل تشبیه (متناظر) هستند. از یک سو، نقشه، آن قلمروی نیست که به تصویر کشیده می‌شود؛ بلکه در عوض، استعاره‌ای از علم و به عبارتی، الگوی بازنمایی یک واقعیت جغرافیایی است. فرآیند تهیه نقشه شامل تبدیل "مفهوم‌سازی نقشه‌کش از واقعیت جغرافیایی" به "نقشه" است. از سوی دیگر، در فرآیند نقشه‌خوانی، نقشه‌خوان به‌طور معکوس، نقشه را به تصویری ذهنی از واقعیت اصلی جغرافیایی تبدیل می‌کند. این دو فرآیند، به ترتیب، به فرآیندهای رمزگذاری و رمزگشایی اطلاعات جغرافیایی مربوط می‌شوند<sup>۳</sup> [O'Raghallaigh and Sammon and Murphy, 2010]. از سوی دیگر، "معماری" نوعی عمل خلاقانه بر اساس هنر، علم و تجربه است که مقصود آن، شکل دادن به فضای زیست انسان در تمامیت آن است و گستره آن، طیف وسیعی را - از جوابگویی

---

۱. Grounded theory. برای آگاهی از این نظریه و رویکرد، از جمله ر. ک. [دانائی فرد، ۱۳۸۴] و [مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰]  
۲. System Dynamics: SD. برای آگاهی از کاربرد اقتصادی روش پویایی‌شناسی سیستم‌ها، از جمله ر. ک. (Forrester, 1991) و [Fontana, 2005] و [مشایخی، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸] و [درزی و دره‌شیری و برزویان، ۱۴۰۰]  
۳. با همین نظر، برخی ویژگی‌های نقشه‌ها، با مؤلفه‌های نظریه در تناظر قرار داده می‌شود (the Characteristics of Maps against the Components of Theory) و همچنین، استخراج «اصول نظریه‌سازی مؤثر» از نقشه‌کشی (Deriving from Map-Making 'Principles for Effective Theory-Building') صورت می‌گیرد. شایان‌ذکر است که در گذشته، برای تعبیر کردن از طراحی و برنامه‌ریزی نیز از واژه «نقشه» استفاده می‌شده است. بر اساس ریشه‌یابی تاریخی لغوی، گفته می‌شود که Planning از واژه لاتینی Planum به معنای «سطح صاف» (Flat Surface) گرفته شده است. در قرن هفدهم، این اصطلاح درباره فرم‌هایی نظیر نقشه یا طرح‌هایی که بر سطح صاف رسم شده‌اند، به کار می‌رفته است. در اسناد اولیه ایران نیز از «برنامه» با تعبیر «نقشه» یاد شده است. [درزی، ۱۳۸۵: ۱۳۱]

به نیازهای انسانی در پیوند با محیط و طبیعت تا بیان عواطف و اعتقادات او - دربرمی‌گیرد[دانش و کلانتری، ۱۳۸۹]. با این ملاحظه، نظریه‌پردازی نیز می‌تواند نوعی "معماری نظریه" قلمداد شود که خلق و ساختن عالمانه و هنرمندانه با ملاحظه محیط و خواسته‌های انسانی را دربردارد. شایان ذکر است که از قرن‌ها پیش، در معماری یونان و روم باستان، ویژگی‌های لازم معماری، در سه موضوع اصلی ایستایی<sup>۱</sup> (بادوام بودن و خوب باقی ماندن)، کارایی<sup>۲</sup> (عملکردی هماهنگ با هدف موردنظر در ساخت) و زیبایی<sup>۳</sup> (ظاهری متناسب و دلپذیر) تقسیم‌بندی شده بود<sup>۴</sup>. به علاوه، بنا به دیدگاه برخی از صاحب‌نظران ایرانی [دهشیدی، ۱۳۸۹]، معماری ایران پس از اسلام دارای هفت اصل مهم است که عبارتند از توحید، اخلاص، علم، حیا و حجاب. اقتصاد متضمن معماری مردم‌پسند و خودکفایی و معماری پرهیز از اسراف، عبادت و احترام و ذکر است؛ بر این اساس، اصول معماری ایرانی را می‌توان به پنج اصل مردم‌واری، درون‌گرایی، خودبسندگی، به‌کارگیری نیارش (نگاهداری) و پرهیز از هرگونه بیهودگی (متناظر با ایجاز) تقسیم کرد<sup>۵</sup>. این امور، در نظریه‌پردازی (نظریه‌سازی: معماری نظریه) نیز کاربرد داشته و در توضیح برخی ویژگی‌های یک نظریه خوب / مفید / مؤثر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

### ج. نظریه مطلوب

بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که مطلوب بودن یک نظریه، صرفاً با مطابقت تام آن با همه جزئیات واقعیت، تأمین نمی‌شود. به تعبیری، یک نظریه خوب، لزوماً فقط یک نظریه درست و واقع‌نما نیست و دستیابی به برخی ویژگی‌های مطلوب، می‌تواند به بهای چشم‌پوشی یا کم‌رنگ‌تر شدن برخی ویژگی‌های دیگر باشد؛ به‌عنوان مثال، گویا نبودن و نارسایی در ایجاد ارتباط با مخاطب و کاربر، یکی از این گزینه‌هاست. کاستی در برقراری ارتباط یادشده را

۱. Firmita. مشتمل بر پایداری (به لاتین: Peranitas)

2. Utilitas  
3. Venustas

۴. از جمله ر. ک [van der Voordt and others, 2005: viii]

۵. از جمله ر. ک. [پیوسته‌گر، حیدری و اسلامی، ۱۳۹۶]

می‌توان به مشکل ترجمان (انتقال متناسب‌شده) دانش، فهم و تصور از سیستم و واقعیت نسبت داد که به‌موجب آن، یافته‌های ادراکی از واقعیت، به شکلی تبدیل و بروز داده نمی‌شوند که بتوانند به‌راحتی توسط ذی‌نفعان استفاده شوند یا به‌طور اساسی‌تر، به‌عنوان یک مشکل شناختی (مسئله‌شناسی، تفکر عملیاتی و ...) قلمداد می‌شوند که به‌موجب آن، تحقیقات صورت‌گرفته در وهله اول، با نیازهای ذی‌نفعان هماهنگ نیست و به‌عبارتی، عملاً برای آنها تولید نمی‌شود. در این صورت، یک نظریه، از گسستگی‌هایی رنج می‌برد که ناشی از کاستی اصول ارائه<sup>۱</sup> و محتوای مؤثر است و اثربخشی و تأثیر شناختی آن به‌شدت تضعیف می‌شود و برای مخاطبان اصلی، نامفهوم و یا نامربوط است. در این صورت، به‌جای دغدغه درباره صرفاً "واقعی‌بودن" نظریه، باید بر "مؤثر و برای هدف موردنظر مفید و مناسب‌بودن" نظریه برای مخاطبانش تأکید شود. در همین جهت، نظریه مؤثر به‌صورت تدریجی و تکراری طراحی می‌شود تا برای هدف موردنظر خود مفید و برای مخاطبان خود مناسب باشد.

در یک جمع‌بندی کلی، ویژگی‌های کلیدی و محوری یک نظریه خوب را می‌توان در موارد زیر برشمرد: ۱. مفیدبودن (سودمندی) علاوه‌بر درست بودن و اعتبار؛ ۲. متضمن "ارزش‌افزوده در یک قلمرو مهم" بودن؛ ۳. جامعیت (فراگیری محتوایی و اقتضایی) نسبی با توجه به هدف و کاربرد؛ ۴. انتزاع؛ ۵. ایجاز (اقتصاد) در عین وضوح و گویایی؛ ۶. دقت در عین سادگی (قابل فهم‌بودن نسبی)؛ ۷. انسجام و سازگاری درونی.

بهره‌برداری از آنچه به‌عنوان "نظریه مطلوب" مطرح شد، دارای فواید بسیاری است که افزایش دانش حاصل و دانش فرآیندی، کاهش اختلاف‌نظرهای علمی، حل مسائل پیچیده و زمینه‌سازی پیش‌بینی از آن جمله است.

### ماهیت و ویژگی‌های اساسی انتظام و امنیت ملی

نظریه‌پردازی در عرصه "اقتصاد انتظام و امنیت ملی"، مستلزم درک این امر

۱. اثربخشی ارائه، به‌عنوان توانایی نظریه‌ها برای انتقال مؤثر حداکثر تعداد ایده‌ها به مخاطبان موردنظر، با حداقل مقدار جوهر (مرکب نوشتن) تعریف می‌شود.



است که چه چیزی موجب می‌شود یک تحلیل و نظریه را به اصطلاح، اقتصادی (در قلمرو علم اقتصاد) بدانیم و به عبارتی، چه ضابطه شناختی‌ای، به یک نظریه، ماهیت و صبغه اقتصادی می‌بخشد. به علاوه، ماهیت و ویژگی‌های "انتظام ملی" و "امنیت ملی" چگونه است که قرار است درباره نحوه نگرش و تحلیل اقتصادی آنها نظریه‌پردازی صورت گیرد.

### ۱. مفهوم و عناصر اصلی علم اقتصاد و تحلیل اقتصادی

در عبارت آغازین مقاله حاضر، خاطرنشان شد که «علم اقتصاد به بررسی کاربرد منابع<sup>۱</sup> برای دستیابی به خواسته‌ها و اهداف بدیل می‌پردازد<sup>۲</sup>». این تعریف کارکردگرایانه، به نوعی ماهیت و قلمرو این علم را که یکی از دقیق‌ترین رشته‌های علوم انسانی قلمداد می‌شود، مشخص می‌کند؛ اما همواره باید این ملاحظه در نظر گرفته شود که مرزهای یک علم، قراردادی و تا حدی انعطاف‌پذیر هستند و رشته‌های مختلف علمی، به حدی به یکدیگر تافته شده‌اند که در برخی موارد، به جای موضوعات بین‌رشته‌ای گذشته، همان موضوعات، در قلمرو یک رشته خاص جا خوش کرده‌اند. در سده‌های آغازین شکل‌گیری علم اقتصاد متعارف، استوارت میل<sup>۳</sup> به نوعی خاطرنشان کرده بود که اقتصاددان سیاسی‌ای که فقط از دانش قلمرو خاص خود برخوردار است و از سایر عرصه‌های علمی آگاهی ندارد، احتمالاً اقتصاددان سیاسی خوبی هم نیست<sup>۴</sup>. این گفته، نشان از به رسمیت شناختن تأثیر آموزه‌های مختلف سایر رشته‌های علمی<sup>۵</sup>، در شکل‌گیری و بارور شدن ضروری علم اقتصاد و تحلیل اقتصادی است. به نظر می‌رسد که به تدریج این بهره‌مندی از آموزه‌های سایر رشته‌های علمی، به گسترش پهنه خود علم اقتصاد نیز انجامیده و شکل‌گیری زمینه‌های

۱. منابع لزوماً کم نیستند؛ بلکه به هر صورت، کمیاب‌اند.

۲. به تعبیری، تخصیص منابع و دارایی‌های کمیاب، برای تأمین اهداف تعیین‌شده. در این باره از جمله ر. ک (Henderson and Quandt, 1980: 1) از این رو، علم اقتصاد، علم انتخاب و بهینه‌یابی قلمداد می‌شود.

3. Mill

4. A person is not likely to be a good political economist who is nothing else (Mill, 1865)

۵. البته استوارت میل در فضای این عبارت، بر ارتباط وثیق میان علم اقتصاد و دانش بالادستی آن (اخلاق / حکمت عملی یا فلسفه سیاسی - برکنار نبودن اقتصاددانان از هنجارها) تأکید داشته است. در این باره از جمله ر. ک. [یونگر، ۱۳۸۶: ۱۶۲]

علمی‌ای در علم اقتصاد از قبیل اقتصاد رفتاری<sup>۱</sup>، اقتصاد تکاملی<sup>۲</sup>، اقتصاد عصب‌پایه (مبتنی بر عصب‌شناسی)<sup>۳</sup>، اقتصاد نهادی<sup>۴</sup> و اقتصاد شادی<sup>۵</sup> متضمن به رسمیت شناخته شدن همین ملاحظه اساسی است. اما این گستره پهنه علمی، تعیین و حفظ هویت متمایز رشته علمی اقتصاد را در معرض تردید قرار داده است؛ تا حدی که از سوی برخی نویسندگان، از این گسترش دامنه موضوعی و روش‌شناختی، با عنوان "امپریالیسم علم اقتصاد"<sup>۶</sup> یاد شده است.<sup>۷</sup>

در کنار مباحث مبنایی یادشده، برای وفاداری به قلمرو توافق‌شده علم اقتصاد و پرهیز از ورود به اختلاف‌نظرهای پیش‌گفته - که در جای خود ارزشمند و البته تعیین‌کننده هستند - تعریف ابتدای بحث را ضابطه مرزبندی و قلمرویی یک تحلیل و نظریه اقتصادی قرار می‌دهیم و از مفاهیم مندرج در همین تعریف، در این جهت بهره‌برداری می‌کنیم. بر اساس تعریف یادشده، نظریه‌پردازی در قلمرو علم اقتصاد، ضمن تأکید بر ماهیت دانشی<sup>۸</sup>، مشتمل بر مؤلفه‌های ذیل است که در تعریف، تصریح شده‌اند:

- عبارت "کاربرد ... برای دستیابی"، متضمن فرآیند تبدیل<sup>۹</sup> "منابع" به "اهداف و خواسته‌ها" است و تلاش‌ها را به همراه مقتضیات و محیط (طبیعی، بازیگران<sup>۱۰</sup> دخیل و مقتضیات<sup>۱۱</sup> و روندهای داخلی و

1. Behavioral Economics

2. Evolutionary Economics

3. Neuroeconomics

4. Institutional Economics

5. Happiness Economics

6. Economics Imperialism

۷. برای تحلیل این موضوع، از جمله ر. ک [Manic, 2016] و [Crespo, 2017]. همچنین، برای مروری بر پیشینه گسترش دادن و محدود کردن قلمرو علم اقتصاد در ارتباط با برخی دانش‌های دیگر، از جمله ر. ک. [یونگر، ۱۳۸۶]. برخی نویسندگان برای گریز از پرداختن به این اختلاف‌نظرها، در حقیقت، صورت مسئله را نادیده گرفته و ابراز کرده‌اند که اقتصاد، علمی است که اقتصاددانان در تحلیل‌های خود از آن بهره می‌برند. در این صورت، آنچه و گونه‌ای که اقتصاددانان تحلیل می‌کنند، به یک تحلیل، روح و صبغه اقتصادی بودن می‌بخشد!

۸. دانش اقتصاد که حاوی نوعی «بررسی» است.

۹. در علم اقتصاد، «بهره‌وری» به عنوان تلفیقی از دو مفهوم «کارایی» (Efficiency) و «اثربخشی» (Effectiveness) (انجام

درست کارآمد) کار دست (اثربخش)، تجلی «تبدیل» قلمداد می‌شود. در این باره از جمله ر. ک. [دری، ۱۳۹۰]

۱۰. اعم از حاکمیت، نهادهای غیرعمومی، ذی‌نقوذه‌ها (اشخاص و ...) و آحاد مردم.

۱۱. سطح توسعه‌یافتگی و امثال آن، در این چارچوب قابل ملاحظه است.

- خارجی)، در شکل‌گیری رفتارها (زمینه‌سازها، موانع و ...)، در برمی‌گیرد؛
- "منابع" که شامل همه انواع منابع (داشته‌ها) از جمله منابع انسانی، طبیعی، مالی، فناورانه و دانشی می‌گردد؛
  - عبارت "اهداف" و خواسته‌های بدیل"، جهت‌گیری‌ها، جایگزینی‌ها و پیامدها را در برمی‌گیرد. مفهوم "هزینه‌های فرصت"<sup>۲</sup> در علم اقتصاد، در این عرصه کاربرد خاص می‌یابد.

در این میان، دانش اقتصاد، از متغیرها و شاخص‌ها و ابزارهای تحلیلی متناسب خود بهره می‌گیرد که در خلال زمان، تکامل یافته‌اند و اقتصاددانان نیز تمرکز تام بر ابزارهای تحلیلی مقداری، به‌ویژه با به‌کارگیری روش‌های تحلیل فازی، استفاده از روش‌های تحلیل کیفی و غیرمقداری را نیز در دستور کار قرار داده‌اند. خاطرنشان می‌شود که یک تحلیل اقتصادی، متضمن نوعی ارزیابی<sup>۳</sup> است و در این میان، از پاسخ به این پرسش که یک چیز آیا اساساً کار می‌کند (کارکرد خود را دارد) یا نه<sup>۴</sup>، فراتر می‌رود و به این پرسش حیاتی پاسخ می‌دهد که آیا این چیز، به آنچه تحقق می‌یابد (تحقق می‌بخشد: تغییر وضعیت، محصول و ...)، می‌ارزد یا خیر<sup>۵</sup> [Simmonds and Kazimirski, 2016] و چنین ارزیابی‌ای بسیار مهم تلقی می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سلسله‌مراتب اهداف شامل ارزش‌ها و آرمان‌ها، منافع، مقاصد، سیاست‌ها، استراتژی‌ها و ... می‌توانند در این چارچوب دیده شوند.

## 2. Opportunity Cost

### 3. Evaluation

۴. مثلاً «آیا یک دخالت اجتماعی خاص، پیامد موردنظر را در پی دارد؟» (*does it work?*). در پرسش یادشده، فقط این نکته مطرح است که آیا یک پدیده تحقق می‌یابد یا خیر.

۵. مثلاً «آیا یک دخالت اجتماعی خاص، به آنچه در پی آن تحقق می‌یابد، می‌ارزد؟» (*is it worth it?*). در پرسش یادشده، این نکته موردتوجه خاص است که آیا تحقق یافتن پدیده مزبور، ارزش (اقتصادی) دارد؟ در این میان، روش‌هایی از قبیل «مهندسی ارزش» (Value Engineering) نیز به پاسخ‌دادن به همین پرسش اهتمام دارند.

## ۲. مفهوم نظم، نظم عمومی و انتظام ملی<sup>۱</sup>

### الف. مفهوم و عناصر قوام بخش نظم

"انتظام" از نظر لغوی عبارت است از به نظم شدن (نظم پذیری)؛ اتساق (فراهم آمدن و راست و تمام شدن)؛ پیوسته شدن؛ سامان گرفتن؛ برپاشدن و ترتیب یافتن کار و آراستگی. "تنظیم" نیز به معنای نظم بخشی (به نظم در آوردن) است. در این میان، "نظم"<sup>۲</sup> در لغت به معنای گرد آوردن، پیوست نمودن و مقارنت دادن بین اشیای گوناگون است (الزبیدی، ۱۳۰۶ ق؛ صاحب، ۱۴۱۴ ق.) به تعبیر دیگر، "نظم دادن" عبارت است از «استقرار (آرایش دهی) یا ترتیب بندی مردم یا چیزها در ارتباط با یکدیگر، مطابق ترتیب، الگو، روش یا ویژگی هایی خاص».

از نظر اصطلاحی، "نظم" ناظر به "هماهنگی" بین چند عنصر و یا عضو است و هماهنگی<sup>۳</sup> که در مقابل هرج و مرج است، مفهومی آشکار دارد. "هماهنگی" همواره بین چند امر در ارتباط با یک هدف و غرض است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۳۸). از نظر اصطلاحی، در یک گستره عام نه حوزه تخصصی خاص، نظم یک نوع رابطه هماهنگ میان اجزای یک مجموعه، برای تحقق یافتن هدفی مشخص است؛ به گونه ای که هر جزئی از اجزای مجموعه، مکمل دیگری باشد و فقدان هر یک، سبب شود که مجموعه، هدف خاص و اثر مطلوب را از دست بدهد و به تعبیر دیگر، «واقعیت نظم در یک پدیده طبیعی، جز این نیست که اجزای مختلفی از نظر کیفیت و کمیت دور یکدیگر گرد آیند تا در پرتو همکاری اجزای آن، هدف مشخصی تحقق یابد» (سبحانی، ۱۳۸۲: ۷۴).

بر این اساس، نظم یک معقول ثانی فلسفی و امری قیاسی و نسبی است؛ یعنی از سنجش دو یا چند چیز به یکدیگر در شرایط خاص، مفهوم نظم انتزاع می شود؛ به طوری که یک شیء بسیط مانند الف، هرگز منشأ انتزاع مفهوم نظم نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۳، ۴۵۳ و ۱۳۸۴: ۲۲-۲۴).

۱. برای آگاهی از تفصیل این قسمت، ر. ک. به [دری، ۱۴۰۱].

2. Order / Arrangement

۳. هماهنگی، ترتیب و آراستگی.

از بررسی این تعریف<sup>۱</sup> می‌توان استفاده کرد که نظم در گرو چند مطلب است:

۱. تحقق نظم، امور متعددی را لازم دارد و از امر واحد، نظم پدید نمی‌آید؛
۲. باید در میان این امور، یک نوع الفت و آمیزش تحقق پذیرد و هرگز از امور بیگانه، نظم فراهم نمی‌شود؛
۳. هر یک از اجزاء، در تحقق هدف خاص، تأثیر نسبی دارد و تحقق هدف در گرو اجتماع و هماهنگی آنهاست؛ به گونه‌ای که آسیب‌پذیری هر یک، خللی در هدف ایجاد می‌کند؛
۴. به حکم اینکه اجزا در خدمت هدفی معین می‌باشند، طبعاً هدف واقعیتی جدا از اجزاء دارد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۷۴).

"نظم" با مفهومی که مطرح شد، کارکردهای چشمگیر و گاه بی‌بدیلی دارد که از آن جمله می‌توان به تأثیر مهم در برنامه‌ریزی، تسهیل انجام فعالیت‌های موردنظر و رصد و اشراف و سرانجام، بهینگی در استفاده از منابع مختلف اشاره کرد. بدون نظم، آنچه گفته شد، یا امکان‌پذیر نیست و یا با هزینه‌ای هنگفت<sup>۲</sup> تحقق می‌یابد.

### ب. نظم عمومی

برکنار از اختلاف نظرهای مبنایی درباره امکان یا امتناع تعریف نظم عمومی<sup>۳</sup>، به یک تعبیر<sup>۴</sup>، «نظم عمومی از دو واژه نظم و عمومی ایجاد شده است؛ شده است؛ نظم یعنی تعادل پیوندها و وضع منظم اشیا نسبت به یکدیگر که دولت آنها را در حقوق تحقق خود تضمین می‌کند. با این همه، این نظم همیشه به گونه‌ای ثابت و پایدار نیست. ... نظم، اصلی است که به موجب آن، حقوق از

۱. با تلفیق مناسب آنچه گفته شد، یک نوع رابطه هماهنگ میان اجزای دارای الفت - نه بیگانه - یک مجموعه، برای تحقق یافتن هدفی مشخص که طبعاً واقعیتی جدا از اجزا دارد؛ به گونه‌ای که هر جزئی از اجزای مجموعه، در جایگاه خود و مکمل دیگری باشد و در تحقق هدف، به صورتی متن و هدایت‌شده، تأثیر نسبی داشته و فقدان هر یک، سبب شود که مجموعه، هدف خاص و اثر مطلوب را از دست بدهد.

۲. اشاره شد که علم اقتصاد، به ارزشی که یک فعالیت ایجاد می‌کند، در مقابل آنچه صرف آن فعالیت می‌شود، توجه خاص دارد. در این میان، هزینه‌های اقتصادی، هزینه‌های منابعی است که بسیار فراتر از صرفاً منابع مالی را دربرمی‌گیرند.

3. Public order

4. Stephen L. Mallory

شر بی‌ترتیبی‌ها سالم می‌ماند. واژه عمومی، روشن و آشکار است؛ یعنی پیوندهای جامعه و مردم. به سخن دیگر، نظم عمومی یعنی نظم در جامعه. چنین نظمی، وجود خارجی دارد» (فرا تحلیل ... ، ۱۳۹۸: ۴۰).

نظم عمومی از لحاظ "وجودی" واحد است ولی از لحاظ "ایجاد" دارای دو جنبه تکوینی<sup>۱</sup> و تشریحی<sup>۲</sup> است. البته نظم طبیعی یا تکوینی، اساس نظم تأسیسی یا تشریحی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، نظم عمومی همان حالت ترتیب موجود در نهادهای حقوقی جامعه است که حقوق موضوعه برای آن، ضمانت اجرا تعیین کرده است (مدنیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴۲). نظم عمومی عبارت از قواعد و سازمان‌هایی است که غرض از وضع و ایجاد آنها، حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی (امور اداری، سیاسی و اقتصادی) و حفظ خانواده است و اراده افراد نمی‌تواند آنها را نقض نماید؛ به عبارت دیگر، در حقوق داخلی، حفظ نظم عمومی شامل آن دسته از قواعدی است که به اصطلاح، قواعد امری (آمره)<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند؛ اعم از اینکه قواعد مزبور مربوط به حقوق خصوصی یا مربوط به حقوق عمومی باشند (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). قواعد نظم عمومی، قواعدی آمره هستند که انحراف یا توافق برخلاف آنها ممکن نیست<sup>۴</sup> و الزاماً باید اجرا شوند تا یک مجموعه اصول حتماً رعایت شوند

۱. نتیجه ارتباطات طبیعی اشیا و اعضای جامعه و مانند امور تکوینی در جهان مادی.

۲. نظامی اعتباری ناشی از قواعد و مقررات حقوق موضوعه که وابسته به یک سلسله اصول و افکار راجع به هیئت اجتماعی است.

### 3. Exception of Public Order/ Exception d'ordre public

۴. بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ما را بدین امر رهنمون می‌سازد که قوانین همه کشورها دربرگیرنده قیدها و حدهایی بر آزادی مبتنی بر «نظم عمومی» یا «امنیت عمومی» است. به علاوه، امکان محدود و مقیدسازی آزادی‌ها، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محدودیت آزادی با قیدهایی تعیین گردیده است. در اصل بیست‌و چهارم قانون اساسی، آزادی نشریات و مطبوعات، با قید «مخل مبانی اسلام» یا «حقوق عمومی» محدود گردیده است. همچنین، در اصل بیست‌وششم قانون اساسی، آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی مشروط به «عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی»، «موازن اسلام» و «اساس جمهوری اسلامی» گردیده است. بر اساس اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، آزادی جمعاعات و راهپیمایی‌ها در صورتی که «مخل مبانی اسلام» و یا همراه با «حمل سلاح» باشد، محدود می‌گردد. در اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی، آزادی شغل، زمانی که «مخالف اسلام»، «مصلح عمومی» و «حقوق دیگران» باشد، محدود شده است. همچنین، به موجب اصل یک‌صد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، آزادی بیان و نشر افکار در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، باید با رعایت «موازن اسلام» و «مصلح کشور» صورت پذیرد. با تأمل در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چنین برداشت می‌شود که حق دولت‌ها نسبت به تحدید حقوق و آزادی‌ها به‌عنوان یک اصل مورد

و جامعه نیز در مسیر معینی که منافع عمومی ایجاد می‌کند، حرکت نماید (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

به‌طور کلی می‌توان پیروی و رعایت قواعد خاصی (سیاسی، اداری، قضایی، اقتصادی و ...) از سوی دولت در انجام وظایف خود و در راستای حُسن جریان امور را از ویژگی‌های بارز نظم عمومی دانست. «زاین‌رو، نظم عمومی به‌طور آشکار، با منافع و مصالح جامعه مرتبط و وسیله‌ای برای محدود کردن آزادی اراده افراد است. باید توجه داشت که کلیه قوانین مربوط به حقوق عمومی، از جمله قوانین کیفری و اداری، از قوانین مربوط به نظم عمومی هستند و هرگاه قانون، مربوط به نظم عمومی باشد، امری محسوب می‌شود» (فراثحلیل ...، ۱۳۹۸: ۳۶-۳۸).

مفهوم نظم عمومی، برای حمایت و حراست از نهادهای حقوقی - که منافع و مصالح جامعه وابسته به موجودیت آنهاست - شکل گرفته‌است؛ بنابراین، هر قانونی که ضامن هستی نهادهای حقوقی باشد، مربوط به نظم عمومی خواهد بود که توافق برخلاف مقررات آن و یا نقض آنها ممنوع است<sup>۱</sup>. البته نظم عمومی را می‌توان مفهومی کلی و قابل انطباق بر امنیت اجتماعی و صیانت از حیات و آزادی فردی، جان، ناموس و مال افراد جامعه نیز دانست. «نظم عمومی، مبتنی بر اندیشه کلی برتری اجتماع نسبت به فرد و تفوق منافع عمومی نسبت به منافع خصوصی است» (فراثحلیل ...، ۱۳۹۸: ۳۸).

لغت "نظام" در فقه، به‌طور مطلق و بدون قید و به کمک قرائن، به معنای نظم عمومی به کار رفته‌است و هنگامی که لفظ اخلال به آن اضافه شود، منظور "اختلال النظام" یا اخلال در نظم عمومی است (مدنیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۶). همچنین، اصطلاحاتی مانند اختلال نظام المصالح، اختلال نظام العالم و اختلال نظام العباد نیز در متون فقهی و اصولی و فتاوی فقهای متأخر امامیه دیده می‌شود. اصولاً آنچه که امروزه، در ادبیات حقوقی و قانونی کشورها با

پذیرش همگان قرار دارد. قوانین سایر کشورها و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول متعدد با تمسک به قیود، به تحدید آزادی‌ها پرداخته‌است (فراثحلیل ...، ۱۳۹۸: ۳۱).

۱. هیچ مکتب و نظام حقوقی ای نمی‌تواند فارغ از مسئله نظم عمومی باشد؛ وگرنه نسبت به علت و فلسفه وجودی خود بی‌اعتناست و نمی‌تواند پایدار بماند (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

عنوان "نظم عمومی مطرح می‌شود، در فقه اسلامی با دو عنوان بسیار کلی "لا ضرر" و "فساد فی الارض" مورد تمسک واقع گردیده‌است (فرا تحلیل ...، ۱۳۹۸: ۳۵).

### ج. پیوند گسست‌ناپذیر نظم عمومی و امنیت

برخی از اندیشمندان، محوری‌ترین بخش نظم عمومی را "امنیت و آرامش" قلمداد می‌کنند (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۴۱) و به اعتقاد برخی، مسئله "نظم اجتماعی"، گویای مفهوم امنیت نیز می‌باشد (نبوی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۸). در تعریف جرایم نیز بین امنیت و نظم (داخلی و خارجی)، پیوندی وثیق برقرار می‌شود.<sup>۱</sup> در تعریف جرائم علیه امنیت داخلی گفته شده‌است که اعمال مجرمانه‌ای است که ارتکاب آنها باعث ایجاد هرج و مرج و اغتشاش در نظم داخلی یک کشور می‌شود. جرائم علیه امنیت خارجی هم اعمال مجرمانه‌ای است که ارتکاب آنها باعث اخلاص در نظم بین‌المللی یا به تعبیر دیگر، باعث خدشه به استقلال و تمامیت ارضی یک کشور می‌شود؛ مثل جاسوسی به نفع اجانب (غیاثوند و میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۷۱).

### د. واژگان اصلی شبکه معنایی نظم در قرآن

با مروری بر آیات قرآنی در جهت دستیابی به واژگانی اصلی<sup>۲</sup> در شبکه معنایی<sup>۳</sup> نظم و بی‌نظمی، کلیدواژه‌هایی از قبیل سلم، تسویه، تدبیر و تمهید شکل‌دهنده شبکه معنایی "نظم" هستند و در مقابل، کلیدواژه‌هایی از قبیل مرج، فساد، نقض عهد، فتنه، بغی، عثو (عثی)، تذبذب، اضاعه، انفراج، طمس و قضم شکل‌دهنده شبکه معنایی "بی‌نظمی" تلقی می‌گردند.<sup>۴</sup>

۱. به تعبیری، تأمین امنیت بدون تحقق نظم، یا ناشدنی و یا بسیار پرهزینه است.

۲. انتظار می‌رود که هر واژه کلیدی، جنبه‌ای (ویژگی‌ای) از مفهومی را نشان دهد که شبکه معنایی آن مفهوم، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. مفهوم و ویژگی‌های شبکه معنایی، در تحلیل‌های مفهومی و معناشناختی و شناخت مفاهیم قرآنی و کاربردهای بسیار دارد. در این باره از جمله ر. ک. [ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۰-] و [پارسا، ۱۳۹۷: ۱۸۱] و [پهلوان‌نژاد و سرسرابی، ۱۳۹۰] و [مطیع و نیکزاد و آقادوستی، ۱۳۹۷] و [جفرسته و همکاران، ۱۴۰۰]. شایان ذکر است که برای شکل‌گیری خود این شبکه معنایی و گام‌نهادن در جهت نظریه‌سازی، علاوه بر تفصیل ابعاد مختلف هر کلیدواژه، بررسی نسبت بین آنها در یک نظم منسجم نیز ضرورت خواهد داشت.

۴. در این باره ر. ک. [دری، ۱۴۰۱].



با دسته‌بندی و انتزاع عناصر قوام‌بخش، نظم از جنبه ایجابی متضمن امور ذیل است:

۱. "سلامت" در مقابل "تباهی/گزند(متضمن فساد، اضاعه<sup>۱</sup> و عثو)" به‌عنوان امری کلی و فراگیر؛
  ۲. به‌سامان بودن(متضمن<sup>۲</sup> تسویه، تدبیر و تمهید) که به‌نوعی تنظیم(نظم‌بخشی) را دربردارد؛
- نظم از جنبه سلبی نیز متضمن امور ذیل است:
۱. آشفتگی و درهم‌وبرهم بودن(پیشانی و سردرگمی)(متضمن مَرَج و قَصَم<sup>۳</sup>) که انسجام را به‌هم می‌ریزد؛
  ۲. پراکندگی(متضمن تبذیر<sup>۴</sup>) که انسجام را به‌هم می‌ریزد؛
  ۳. خلل و رخنه(متضمن فرج) که انسجام را به‌هم می‌ریزد؛
  ۴. دگرگونی(متضمن طمس<sup>۵</sup>) که نوعی نظم‌زدایی را دربردارد که به نابودی و محو شدن می‌انجامد؛
  ۵. آشوب و هنجارشکنی(متضمن فتنه، نقض عهد و بغی) که به‌نوعی نظم‌شکنی را می‌نمایاند.

#### ۵. اعتباریات و قوانین نظام‌بخش جامعه بشری در پیوند با نظم تکوینی

با ملاحظه تشریح در پرتو تکوین، انتظامی واحد(توحیدی) قابل‌درک است که در نتیجه، نظم تکوینی عالم، الهام‌بخش نظم الهی در جوامع بشری قلمداد می‌شود. بر این اساس، تلاش در نقض هر یک از تشریح و تکوین، ملازم با نقض دیگری است و با نقض آنها، اختلال در نظم امور و به‌اصطلاح "فساد" صورت می‌پذیرد. در این چارچوب، اعتباریات(قراردادها، مالکیت و ...) فردی و اجتماعی، عامل انتظام انسانی به‌حساب می‌آیند و از برخی رفتارها که با نظم و

۱. ضایع، تلف و تباه کردن

۲. به‌نوعی به‌سامان کردن

۳. شکستگی و به‌هم‌ریختگی

۴. پراکندن(ریخت‌وپاش) منابع و بیهوده خرج کردن

۵. دگرگونی و زدایش(زدودن و نابودی)

تشریح الهی منافات دارند، پرهیز داده شده و واکنش متناسب<sup>۱</sup> با اهمیت آنها، در نظر گرفته شده است.

نظم بدون قانون تحقق نمی‌یابد و قانون صحیح، قانونی است که همه جنبه‌های هستی انسان در آن ملحوظ شده باشد و برقراری نظم، در چارچوب قانون (لازمه انتظام)، با "رهبری صحیح" تحقق‌پذیر است. حفظ نظم و نظام اسلامی و پرهیز از اخلال و هرج و مرج، بر همگان واجب عینی است. اخلال در نظم و امنیت جامعه، چه با تجرید سلام گرم و سرد باشد و چه با ایجاد فتنه که می‌تواند با ابزارهای نرم صورت گیرد، مصادیق محاربه است؛ چه این عمل به قصد براندازی نظام سیاسی صورت گرفته باشد و چه به قصدی دیگر.

شایان ذکر است که مفهوم "انتظام"، به نظم‌شدن (نظم‌پذیری) است و "تنظیم"، به معنای نظم‌دهی (نظم‌بخشی) می‌باشد. نظم، به عنوان یک معقول ثانی فلسفی، کم‌وبیش با تعامل انتظام و تنظیم تحقق می‌یابد و در این میان، در علم اقتصاد، مباحث مهمی به تنظیمات اقتصادی<sup>۲</sup> در جهت گرایش به تعادل پایدار و رفاه عمومی، با استفاده بخردانه و علمی از سیاست‌گذاری‌ها و اعمال سیاست‌های عمومی و ... اختصاص یافته است.

### ۳. مفهوم و ویژگی‌های اساسی امنیت ملی

#### الف. جایگاه و مفهوم امنیت

در یک نگرش اولیه، "بقا" معمولاً بالاترین ارزش قلمداد می‌شود که برای آن، هزینه‌های بسیاری صرف می‌شود؛ اما در نگرشی عمیق‌تر، تلاش‌های بشری فقط برای بقا نیست بلکه کیفیت بقا نیز - بلکه در مواردی، بالاتر از خود بقا - موضوعیت دارد. به تعبیری، صرف "زنده‌بودن" ملاک نیست؛ بلکه نحوه "زندگی کردن" از اهمیتی خاص برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با بقا و کیفیت آن، "امنیت" است که پیش‌شرط و بستر لازم برای هر فعالیتی است. در یک جمع‌بندی لغوی<sup>۳</sup>،

۱. از جمله در قالب حدود، دیات و تعزیرات

2. Economic Regulation

۳. این مفهوم لغوی بیشتر در فرهنگ‌های فارسی (دهخدا و معین) بیان شده است.

امنیت<sup>۱</sup> به معنای اطمینان، آسایش، ایمنی داشتن، بی‌هراس، بی‌بیم، بی‌خوف و در امان بودن (زنهار) است. به‌طور کلی، ثبات، ایمنی، حفاظت و رهایی (عاری) از ترس، تهدید<sup>۲</sup> و منازعه‌بودن، به‌عنوان برخی موضوعات اصلی در تعریف امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرند. به‌عبارت‌دیگر<sup>۳</sup>، امنیت عبارت است از واقعیت (درواقع) یا احساس (به‌صورت تصویری) اطمینان<sup>۴</sup> و آزادی<sup>۵</sup> از خطر (ایمنی) و ترس، اضطراب و تردید (شبهه)<sup>۶</sup> و آزادی از تحت‌مراقبت یا بازداشت‌بودن<sup>۷</sup>. در هر صورت، امنیت اعم از کیفیت (طبیعت) یا وضعیت (حالت) امن بودن است. امنیت در عربی، با واژه الْأَمْنُ (به‌صورت فعلی أَمِنَ یا مَنَ أَمْنًا) به معنای "ضد خوف (بیم و هراس)" تعبیر می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۸: ۳۸۹). شیخ طبرسی، ذیل آیه «قَالَ هَلْ أَمْنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أُخِيهِ مِنْ قَبْلِ»<sup>۸</sup> (یوسف/۷۴) "الْأَمْنُ" را به معنای "اطمینان قلب به سلامت امر" معنا کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۳۷۷). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیات «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ. دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»<sup>۹</sup> (یونس، ۹ و ۱۰)، "سلام" را متضمن "امنیت مطلق"<sup>۱۰</sup> قلمداد کرده است که فقط در "جنات النعیم" (ولایت الهی) یافت می‌شود و به‌جز در آنجا، هرچه از امنیت هست، "گشایش (آسانی/آسایش) نسبی"<sup>۱۱</sup> می‌باشد (الطباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ۱۰: ۱۰).

#### 1. Security

۲. گرایش به زیان رسانیدن، «تهدید» (بیم دادن و وعید کردن) به حساب می‌آید که در یک نگرش عملیاتی و در یک قلمرو تحلیلی خاص، در تحقق آن، علاوه بر قصد / نیت برآوردی تهدیدکننده، توان او بر عملی کردن تهدید نیز تعیین‌کننده است. البته در مباحث آینده روشن خواهد شد که در مفهوم امنیت، صرفاً این نوع تهدید مطرح نیست.  
۳. این مفهوم لغوی بیشتر در فرهنگ‌های انگلیسی بیان شده است.

#### 4. Confidence

۵. اعم از محفوظ‌بودن یا در معرض نبودن

#### 6. Doubt

#### 7. Freedom from care, anxiety, or apprehension

۸. [یعقوب] گفت آیا همان‌گونه که شما را پیش‌از این بر برادرش امین گردانیدم بر او امین سازم؟  
۹. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند به باغ‌های [پرناز و] نعمت که از زیر [پای] آنان نهرها روان خواهد بود [درخواستند آمد]. نیایش آنان در آنجا سبحانک اللهم [خدایا تو پاک و منزهی] و درودشان در آنجا سلام است.

۱۰. توسیم للقاء بالأمن المطلق

۱۱. الیسیر النسبی

۱۸). در واقع، اصل مفهومی واحدی که در کاربردهای مختلف این واژه وجود دارد، عبارت است از ایمنی (آرامش، سکون و اطمینان) و رفع خوف، وحشت و اضطراب (مصطفوی، ۱۳۸۵، ۱: ۱۶۴).

ایمان در جایگاه جامع‌ترین مفهوم دینی در اسلام، از ریشه "امن" به معنای آرامش جان و رهایی از هرگونه هراس و اندوه است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/ ۸۲). واژه "اسلام" نیز بیانگر تسلیم محض انسان در برابر خداوند است که احساس امنیت و آرامش از پیامدهای آن به شمار می‌رود: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَ جَهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/ ۱۱۲). در آیه «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ»، امین صفتی از "امن" به معنای "ترسیدن مکرره (ناخوشایند)" قلمداد شده است که در این صورت، معنای آیه این است که پرهیزکاران - در روز قیامت - در محلی امن از هر مکرره و از مطلق ناملازمات، ثابت و مستقر می‌باشند (الطباطبائی، ۱۳۹۰، ق. ۱۸: ۱۴۹). به علاوه، در تفسیر عبارت «وَلْيَبَدِّلَتْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور/ ۵۵)<sup>۵</sup>، مراد از تبدیل خوف به امنیت برای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، عبارت است از

۱. بنا به تصریح علامه در جای دیگر، بر اساس نوشته راغب در المفردات، اصل در معنی «السلام» عبارت است از عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی و این معنا، در همه مشتقات این واژه وجود دارد. به علاوه، «السلام» و «السلامة»، همانند «الرضاع» و «الرضاعة»، معنای یکسانی دارند. ظاهراً «السلام» و «الامن»، از نظر معنا نزدیک هستند و تمایز آنها در این است که «السلام» عبارت است از امنیت بدون توجه به متعلق آن (مأخوذاً فی نفسه) و «الامن» عبارت است از سلامت به علاوه آنچه با فقدان آن، سلامتی تحقق می‌یابد (مضافاً الی ما یسلم منه)؛ از این رو، گفته می‌شود: او در سلامت (به طور مطلق) است و او در امنیت از فلان چیز است؛ نه اینکه او در امنیت است (الطباطبائی، ۱۳۹۰، ق. ۱۰: ۳۹).

۲. کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیاورده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگان اند.

۳. آری، هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.

۴. و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند.

۵. در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند» (توبه: ۵۵).

«گسترش امنیت و سلامت در مجتمع آنان؛ به گونه‌ای که از هیچ دشمن داخلی یا خارجی آشکار و پنهان بر دین و دنیایشان هراس نداشته باشند» (الطباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ۱۵: ۱۵۵).

### ب. انواع امنیت

در فضای فکری سازمان ملل متحد، امنیت انسانی<sup>۱</sup> عبارت است از امنیت یکپارچه، پایدار و جامع در قبال ترس، منازعه، جهل، فقر، محرومیت اجتماعی، فرهنگی و گرسنگی مبتنی بر آزادی‌های مثبت و منفی (Ginkel, 2000). با این نگرش، اگرچه برخی از نویسندگان با صراحت مترادف بودن امنیت انسانی و توسعه انسانی را نمی‌پذیرند،<sup>۲</sup> اما مفهوم توسعه انسانی و امنیت انسانی به‌سوی فضایی مشترک با هم‌پوشی فراوان سیر می‌کنند (Secretary General's ..., 2004).

امنیت را می‌توان بقای به‌علاوه<sup>۳</sup> نامید که واژه "به‌علاوه" در آن، به‌معنای آزادی از تهدیدات تعیین‌کننده در قبال زندگی و بنابراین، تهدیدات مرتبط با برخی انتخاب‌های زندگی است. علاوه بر این، در مفهوم جامع امنیت، موضوع "آزادی برای (در جهت)"<sup>۴</sup> علاوه بر موضوع "آزادی از"<sup>۵</sup> مطرح می‌باشد. در تحلیل چنین برداشتی، امنیت حاصل موجودی‌ها نیست بلکه به روابط و تعامل بازمی‌گردد.

با لحاظ کردن جنبه ایجابی امنیت (وجود شرایط مطلوب جهت پیگیری خواست، اهداف و رضایتمندی - وجود قرار، اطمینان و آرامش رضایتمندانه) علاوه بر جنبه سلبی (نبودن تهدید یا امکان مدیریت و رفع تهدید - عاری (آزاد) از مخاطرات و آسیب‌پذیری‌های تزلزل‌آفرین) آن، به یک اعتبار و از یک دیدگاه<sup>۶</sup> (Brauch, 2005)، دو جنبه از مفهوم امنیت قابل تفکیک است: امنیت،

#### 1. Human Security

۲. از جمله ر. ک (Seymour, 2000)

#### 3. Survival-plus

۴. Freedom to. با لحاظ کردن جنبه ایجابی (Positive) امنیت.

۵. Freedom from. با تمرکز بر جنبه سلبی (Negative) امنیت.

۶. دیدگاه یادشده، در محتوا، با دیدگاه دسته‌بندی سلبی و ایجابی امنیت همراه است؛ اما برخی امور از جمله چالش‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و خطرپذیری‌ها را نیز علاوه بر تهدیدات، مورد توجه قرار می‌دهد.

به معنای عینی<sup>۱</sup>، عدم وجود تهدید برای ارزش‌های اکتسابی<sup>۲</sup> را اندازه‌گیری می‌کند و به معنای ذهنی<sup>۳</sup>، متضمن فقدان ترس از حمله به چنین ارزش‌هایی است «ولفرز<sup>۴</sup>، ۱۹۶۲»؛ بنابراین، امنیت در معنای دوگانه خود، به معنای فقدان خطرات<sup>۶</sup> عینی - یعنی تهدیدها، چالش‌ها، آسیب‌پذیری‌ها<sup>۷</sup> و خطرپذیری‌ها و ترس‌های ذهنی است و به‌طور ذهنی، به ادراک این موارد اشاره دارد.

در کنار آنچه گفته شد، احساس امنیت<sup>۸</sup> حداقل هر چهار عرصه نارضایتی امنیتی، نگرانی امنیتی، ترس امنیتی و اختلالات روان‌شناختی و اجتماعی ناشی از ترس مفراط مزمن را دربرمی‌گیرد. عرصه چهارم را شاید بتوان نوعی ناامنی و تشویش روانی به شمار آورد که در این صورت، عملاً "امنیت"، به امور خارج از وجود آدمی و "احساس امنیت"، به امور درونی آدمی مرتبط می‌گردد؛ اگرچه اساساً در چارچوب مفهومی‌ای که از امنیت دریافت شد، در مجموع، هر دو عرصه را نیز می‌توان در چارچوب کلی امنیت قرار داد. در تمامی مواردی که از احساس امنیت یاد شد، در این گفتمان، اهمیت آن نه تنها کمتر از خود امنیت به معنای جامع آن قلمداد نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد، مهم‌تر تلقی گردیده است؛ چراکه اگر امنیت وجود خارجی داشته باشد، اما احساس امنیت وجود نداشته باشد، امنیت عینی فایده و اثربخشی نخواهد داشت.

در یک جمع‌بندی کلی، امنیت - هم‌معنا با سلامت - عبارت است از کیفیت یا وضعیت امن بودن و به عبارتی، واقعیت یا احساس واقعی اطمینان، آرامش و آزادی (عاری) از تهدید، خطر، هراس، منازعه، اضطراب، تردید، جهل، فقر، گرسنگی، محرومیت، اندوه و نگرانی از زیان به آدمیان و دارایی‌ها و ارزش‌های عینی و ذهنی و دوری از مخاطرات و تعدیات و آسیب‌پذیری ضمن ملاحظه تاب‌آوری در قبال وضعیت و نوسانات و تکانه‌های طبیعی و بشری، در سطح

1. Objective sense
2. Acquired
3. Subjective sense
4. Arnold Wolfers

۵. به نقل از: Brauch, 2005

6. Dangers

۷. Vulnerabilities. آسیب‌پذیری معمولاً با تاب‌آوری (ترمیم‌پذیری: Resilience) در تقابل قرار داده می‌شود.

8. Sense of Security

ملی، فردی، داخلی، عمومی، جامعه‌ای و انسانی، در جهت تحقق آزادی‌ها، انتظارات، مطلوب‌ها، اهداف و خواسته‌ها (رضایت‌مندی) در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ...)، با ملاحظه گستره دنیوی و اخروی. به‌علاوه، امنیت ملی شامل هر دو عرصه داخلی و خارجی است و ضمن رویکردی انسانی<sup>۱</sup>، در آن، هویت و تشخص فردی<sup>۲</sup> و اجتماعی به‌رسمیت شناخته می‌شود و متضمن توجه به حاکمیت یا فرد انسانی یا جامعه انسانی (هویت و گروه‌های اجتماعی)<sup>۳</sup> است و همچنین، در آن، وضعیت، روند، مناسبات و تعاملات امن عموم مردم<sup>۴</sup> جمهوری اسلامی ایران لحاظ می‌گردد.

### ج. واژگان اصلی شبکه معنایی امنیت و ناامنی در قرآن

آنچه درباره مفهوم و برخی ویژگی‌های امنیت گفته شد، تا حدی نشان‌دهنده هم‌سویی نسبی تحول مفهوم امنیت در ادبیات علمی موجود، در جهت برداشت قرآنی از امنیت است.

از چند مصداق مفهومی صریح یادشده برای امنیت (امن) و با کنار یکدیگر قرار دادن مفاهیم مرتبط، یک شبکه معنایی برای آن آشکار می‌شود<sup>۵</sup> که در واژگان قرآنی عبارت‌اند از سلامت، عصمت، حصن، قرار، اطمینان، سکینه و یُسْر<sup>۶</sup> که شاید بتوان همه را در "الْحَسَنَةُ" خلاصه کرد.

در مقابل امنیت، ناامنی قرار دارد که با کُره، فساد، خوف، حزن، غم، نقص (کاستی)، شدت (بأساء: سختی) و زیان/گزند (ضَرَاء: مطلق بدحالی) همراه است و شاید بتوان همه را در "السَّيِّئَةُ" خلاصه کرد.

۱. ملحوظ در امنیت انسانی

۲. ملحوظ در امنیت فردی

۳. ملحوظ در امنیت جامعه‌ای

۴. ملحوظ در امنیت عمومی

۵. استفاده از این شبکه معنایی، به‌ویژه در تحقیقات تکمیلی کاربردی و آکاوی معارف غنی اسلامی بسیار کارگشا خواهد بود و اقیانوسی از معارف را فراوری پژوهشگر قرار می‌دهد.

۶. مفهوم آرامش در قرآن، از راه کلیدواژه‌هایی مانند اطمینان (رعد/ ۲۸)، سکینه (فتح/ ۴)، سکن (توبه/ ۱۰۳ و انعام/ ۹۶) و دیگر مشتقات آن (روم/ ۲۱)، امن (انعام/ ۸۱)، سبات (فرقان/ ۴۷) و تعابیر گوناگونی مانند ربط قلوب (کهف/ ۱۴)، نفی خوف و حزن (فصلت/ ۳۰ و اعراف/ ۳۵) و تثبیت فؤاد (هود/ ۱۲۰) قابل پیگیری است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۵۵).

شایان ذکر است که در آیات ۹۴ تا ۹۹ سوره اعراف<sup>۱</sup>، از پیشینه ارسال پیامبران در آبادی‌ها و گرفتاری مردم به بأساء و ضراء جهت تضرع و فروتن شدن آنها سخن گفته شده است. آنگاه، به مقتضای عدم تضرع، از جایگزینی نیکی‌ها (الْحَسَنَةَ) به جای بدی‌ها (السَّيِّئَةَ) تا رشد و فزونی گرفتن مردمان و غفلت و غافلگیر شدن بی‌خبرانه آنان یاد شده است. در این میان، ایمان - که انسان‌ها را امنیت می‌بخشد - و تقوا - که سپر و حفاظ انسان‌ها می‌شود - می‌توانند گشاینده برکات الهی باشند؛ اما ایمن‌دیدن (امنیت توهمی) آدمی، او را به ورطه نابودی می‌کشاند.

علامه طباطبایی، منظور از دامنه معنایی سیئه و حسنه را شامل امور متضادی از جمله شدت و راحتی، خوف و امنیت و بدحالی و خوشحالی دانسته‌اند (الطباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ۸: ۲۰۰)؛ همچنین، در تفسیر آیه «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»<sup>۲</sup> (نساء/ ۷۹)، حسنات اموری قلمداد شده‌اند که انسان آنها را بر حسب طبع خود، نیکو می‌دارد؛ نظیر سلامتی، نعمت، امنیت و رفاه؛ که همگی از جانب خداوند سیحان است. سیئات نیز عبارت‌اند از اموری که انسان آنها را بد می‌دارد؛ نظیر بیماری، ذلت، ناداری و فتنه که همه به انسان - نه خداوند - بازمی‌گردند (همان، ۵: ۹). از سوی دیگر، در آیه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبِأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَعُونَ (۹۴) ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَّوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵) وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶) أَقَامِينَ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (۹۷) أَوْ آمِنَ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ (۹۸) أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يُأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۹۹) و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند. آنگاه به جای بدی [ببلا] نیکی [بعمت] قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند پدران ما را [هم مسلماً به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است؛ پس درحالی‌که بی‌خبر بودند، به ناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم. آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان درحالی‌که به خواب فرورفته‌اند، به آنان برسد و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیم‌روز درحالی‌که به بازی سرگرم‌اند، به ایشان در رسد. آیا از مکر خدا، خود را ایمن دانستند [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌دانند.

۲. هرچه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از خود توست.



الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ<sup>۱</sup>» (بقره / ۱۵۵) برخی از اصلی‌ترین کاستی‌ها و آنچه به نوعی "سلامت" را خدشه‌دار می‌کند، برشمرده شده است که عبارت‌اند از خوف، جوع، کاستی اموال (مالی) و آدمیان (جانی) و ثمرات (ولاد، محصولات زراعی و ...).

در یک جمع‌بندی اولیه، در تجلی مفاهیم و آیات قرآنی، جوهره امنیت، ضد خوف (بیم و هراس) و اندوه، اطمینان قلب به سلامت امر، نرسیدن مکروه (ناخوشایند)، ایمنی از ضرر و کاستی (آنچه از قبیل جوع و ...، به نوعی سلامت امر را خدشه‌دار می‌کند) است و عبارت است از ایمنی (آرامش، آسودگی خاطر، سکون و اطمینان) و رفع خوف، وحشت و اضطراب و نیز گسترش امنیت و سلامت در فضای جوامع بشری؛ به گونه‌ای که از هیچ دشمن داخلی یا خارجی آشکار و پنهان بر دین و دنیای‌شان هراسی وجود نداشته باشد.

اجزائی از جوهره یادشده، در واژگان قرآنی متعددی جریان یافته و شبکه معنایی امنیت/ناامنی را شکل داده‌اند که سلام، قرار، اطمینان، سکینه، آسانی/شدت (سختی)، گُره، خوف، رعب و روع، جوع، حزن، نقص (کاستی و محرومیت)، بَأس، فساد در زمین، حصن و عصمت، تردید و شک از آن جمله‌اند. با دسته‌بندی و انتزاع عناصر قوام‌بخش یادشده، امنیت از جنبه ایجابی متضمن امور ذیل است:

۱. سلامت در مقابل تباهی/گزند (متضمن فساد<sup>۲</sup>) به عنوان امری کلی و فراگیر؛  
فراگیر؛

۲. قرار (متضمن اطمینان و سکینه کلی) که در مقابل آن، تردید (متضمن حالات ذهنی از قبیل شک) است و مانایی و بی‌تزلزل بودن را نشان می‌دهد؛

۳. آسانی (یُسْر) که گشایش و روان بودن (در تنگنا نبودن) جریان امور را نشان می‌دهد؛

۱. و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مزده بده شکیبایان را.

۲. ر. ک: الطباطبائی، ۱۳۹۰ ق.، ۱: ۳۵۳.

۳. به نظر می‌رسد فساد معمولاً امری عارضی است که سلامت را خدشه‌دار می‌کند.

۴. مصونیت (متضمن عصمت و حصن) که پناه (حفاظ) را می‌نمایاند.

امنیت از جنبه سلبی نیز متضمن امور ذیل است:

۱. کاستی (متضمن نقص) و محرومیت (متضمن جوع) که ناداری و اختلاف

بین داشته‌ها و نیازها (نماینده خواسته‌ها) را نمایان می‌سازد؛

۲. ناپسندی/ناخوشایندی (حالات درونی احساسی متضمن گره، خوف، حزن و

یأس) که گرفتگی روانی را می‌نمایاند.

مروری بر مفاهیم یادشده و شبکه مفهومی مزبور نشان می‌دهد که در

فرهنگ قرآنی، به صورتی نوظهور و پیشگامانه، گستره مفهومی امنیت بسیار

وسیع و دقیق ترسیم شده‌است.

هم‌پوشی و همبستگی فراوان مترادف‌ها و واژگان وابسته به هر یک

از (شبکه‌های معنایی) نظم و امنیت<sup>۱</sup>، در بسیاری از موارد، پیوند وثیق بین آنها

و در برخی موارد، این‌همانی آنها را می‌نمایاند.

#### د. گستره و عمق باطنی و اخروی امنیت

نکته مهم آنکه، برخلاف برداشت ادبیات متعارف از امنیت، این واژه در

فرهنگ قرآنی، در گستره محدود دنیا تعریف نمی‌شود. یکی از نعمت‌هایی که

خدای سبحان خواهان یادآوری آنهاست دعای حضرت ابراهیم (ع) درباره

سرزمین مکه و ساکنان آن است<sup>۲</sup>. تبدیل شدن آن مکان به شهر و امن بودن آن

شهر، دو خواسته متعاقب و مطلق آن حضرت درباره سرزمین غیرمعمور و

بی‌زرع مکه بود که به همان صورت مطلق اجابت شد. آن حضرت - که تبری از

کافران، سیره مستمر و برخاسته از سریره سلیم او بود - دعای خود درباره

ساکنان مکه را مطلق نگذارد؛ بلکه در دعایی خاص، خواهان بهره‌مندی خصوص

مؤمنان این شهر از ثمرات گوناگون شد. البته خداوند به برکت کعبه و به

احترام حَرَم، کافران را نیز متنعم ساخت؛ اما از آنجاکه مؤمنان از حسنات و

۱. اشتراک «سلامت» به‌عنوان کلیدواژه فراگیر هر دو مفهوم.

۲. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ چون ابراهیم گفت: پروردگارا این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد، از فراورده‌ها روزی بخش فرمود و الی‌ا هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می‌کنم سپس او را با خواری به‌سوی عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم و چه بد سرانجامی است (بقره / ۱۲۶).

برکات هر دو دنیا برخوردارند، طبق فرمایش خدای سبحان، کفار فقط از امنیت و ارتزاق محدود و اندک دنیایی برخوردار بوده و سپس به عذاب آتش در جایگاهی بد گرفتار شده، بد صیوروتی دارند و به بد استحالته خواهند شد. مطابق تفاسیر، منظور خداوند از این سخن، نعمت محدود یا کوتاهمدت نیست بلکه از آنجا که دنیا در مقایسه با آخرت اندک است؛ از این رو کافر حتی اگر در سراسر زندگی خود برخوردار و متنعم باشد، بهره‌مندی او اندک تلقی خواهد شد. البته این ثمرات و بهره‌برداری‌ها برای کافر نِقْمَت است، نه رحمت؛ زیرا در آخرت سبب گرفتاری اوست (جوادی‌آملی و همکاران، ۱۳۷۵، ۶: ۵۸۳).

از دیدگاه قرآنی، برخی از هنجارهای (نهادهای) حقوقی و اجتماعی، ارکان سازنده - یا تباه‌ساز - امنیت در زندگی اجتماعی هستند؛<sup>۱</sup> از جمله، تحکیم امنیت اجتماعی با امانت‌داری، پدیدار شدن امنیت عمومی با ترویج عدل و احسان، برقراری امنیت عمومی با وفا کردن و سنجش درست، آشکارسازی عیب‌ها به‌عنوان تباه‌کننده امنیت اجتماعی و تباهی ربوی و شکوفایی صدقاتی.

### ۵. عرصه‌های مختلف امنیت

مرجع<sup>۲</sup> امنیت، موضوع محوری و هسته مرکزی مباحث امنیتی در عرصه موردنظر است<sup>۳</sup> که موردتهدید قرارگرفتن و ناامن‌شدن آن و نیز نحوه حفاظت و ایجاد و استمرار آن، موردتوجه خاص تحلیل‌گران و کنشگران در عرصه امنیت در عرصه مزبور قرار می‌گیرد. با ملاحظه شکل‌های متفاوت امنیت، پاسخ به سؤال اساسی «امنیت برای چه کسی؟» (مرجع امنیت در شکل‌های متفاوت امنیت<sup>۴</sup>)، متفاوت است و به‌تناسب تفاوت در مراجع امنیت، تهدیدات نیز متفاوت خواهد بود (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۵۷).

امروزه، اسناد خط‌مشی و نوشته‌های دانشگاهی "امنیت ملی" را با عبارات نسبتاً محدود تعریف می‌کنند و عمدتاً بر امنیت دولت و توانایی آن برای محافظت از قلمرو و حاکمیت خود تمرکز می‌کنند. در نگرشی وسیع‌تر، برای

۱. برای تفصیل و آگاهی از استنادهای این آموزه‌ها، ر. ک: درزی، ۱۴۰۱.

## 2. Referent

۲. به تعبیری، یک ایده مرکزی (محوری) در امنیتی‌کردن (Securitisation) است.

۳. امنیت فردی، داخلی، عمومی، جامعه‌ای (متفاوت با تأمین اجتماعی)، انسانی و ...

در نظر گرفتن تحولات در نظام بین‌الملل و نیز سایر عوامل مانند رفاه اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، امنیت ملی فراتر از دولت در نظر گرفته می‌شود. البته با گسترش نابه‌جای دامنه مفهومی، اصطلاح متمایز امنیت ملی، در خطر از دست دادن ارزش خود و انسجام فکری (عقلانی) به‌عنوان ابزاری برای سیاست و تحلیل سیاسی قرار خواهد گرفت<sup>۱</sup>.

بنا به یک تعریف، امنیت ملی به‌معنای دستیابی به شرایطی است که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانگان، گام بردارد (افتخاری و نه‌ازی، ۱۳۸۹: ۱۱). به تعبیری<sup>۲</sup>، یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را پیش ببرد (همان).

برداشت‌های یادشده از امنیت ملی، آن را تا حد زیادی مترادف با امنیت خارجی قلمداد کرده‌اند؛ در حالی که اگر در تمایز قائل شدن بین اصطلاحات "ملی"، "داخلی" و "خارجی"، مفاهیم مصطلح در قلمرو حساب‌های ملی در علم اقتصاد را مفروض بگیریم<sup>۳</sup>، امنیت ملی عام‌تر و شامل هر دو امنیت داخلی و خارجی خواهد بود<sup>۴</sup>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. در این باره از جمله ر. ک: Retter and others, 2020: 25.

## 2. Lippman-walter

۲. البته کلیت این خدشه علمی وارد به نظر می‌رسد که وام گرفتن یک اصطلاح، از یک رشته علمی، برای استفاده در رشته علمی‌ای دیگر، لزوماً معتبر نیست؛ اما مؤیدهای مبتنی بر برداشت‌های بعدی در قلمرو علوم سیاسی، این تمایز قراردادی مفروض را رد نمی‌کند؛ به‌ویژه آنکه اصطلاح «ملی» صرفاً یک اصطلاح سیاسی نیست.

۴. به نظر می‌رسد که اگر قرار باشد در مقابل «امنیت ملی» اصطلاحی مورد استفاده قرار گیرد، با کمی مسامحه، «امنیت جهانی» مناسب‌تر است.

### نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

پیش‌تر، به علت نیاز مبرم نظریه‌پردازی حاضر، به شناخت علمی مفهوم، ماهیت و عناصر دخیل انتظام و امنیت ملی و چگونگی تعامل بین آنها (پویایی‌شناسی)، دو موضوع یادشده، در ادبیات رایج و معارف قرآنی مورد بررسی واقع شدند. در این بخش، آنچه پیش‌تر به صورت مبنایی ارائه شد، در "فضای جمهوری اسلامی ایران" جهت نظریه‌پردازی اقتصادی مورد توجه و مصداق‌یابی تحلیلی قرار می‌گیرد.

برای تقریب به ذهن و تصریح به انتظاری که از نظریه‌پردازی حاضر می‌رود، می‌توان از مفاهیم به‌کاررفته در یک تابع ریاضی در توصیف رفتار متغیرهای اقتصادی، استفاده کرد. به تعبیری، در تحلیل و طراحی نظریه مورد نظر، "انتظام ملی" و "امنیت ملی" باید همانند متغیرهای مستقلی در نظر گرفته شوند که وضعیت و علل پویایی‌ها و پیامدهایشان، در فضای تحلیلی علم اقتصاد و با استفاده از متغیرها و شاخص‌های اقتصادی (همانند متغیرهای تابع) و اجزای تحلیلی علم اقتصاد، توضیح داده و نمایانده می‌شوند. به عبارت دیگر، منظور از این نظریه‌پردازی، پویایی‌شناسی (رفتارشناسی) انتظام ملی و امنیت ملی (عوامل تعیین‌کننده، پیامدها، وضعیت، روندها و...) از منظر اقتصادی است.

پیش‌تر اشاره شد که سپهر تحلیل اقتصادی، شناسایی و بررسی منابع (داشته‌ها) در دسترس، اهداف و خواسته‌ها، مقتضیات و محیط (وضعیت، روند و ...) و نیز فرآیند تبدیل منابع یادشده به اهداف و خواسته‌ها را دربردارد. در این میان، دانش اقتصاد - به‌عنوان دانش انتخاب بهینه و ارزیابی ارزش محصول فعالیت‌ها در مقایسه با ارزش (پرداخت‌ها در قبال) نهاده‌های این محصول - از متغیرها و شاخص‌ها و ابزارهای تحلیلی متناسب خود بهره می‌گیرد که در خلال زمان، تکامل یافته‌اند؛ از این‌رو، نظریه‌ای که ارائه خواهد شد، باید حاوی عناصر یادشده تحلیلی در خصوص پویایی معمول و یا

۱. برای تفصیل دادن و بیان جزئیات و لایه‌های بیشتری از این متغیرهای مستقل می‌توان عناصر قوام‌بخش آنها را نیز معرفی و در یک رویکرد تحلیل پویایی‌شناسی سیستم‌ها، با به‌اصطلاح «حلقه‌های بازخور»، رفتار اندرونی آنها را نیز به‌عنوان پدیده‌هایی مرکب - نه بسیط - به نمایش در آورد.

دستکاری شده انتظام ملی و امنیت ملی باشد.

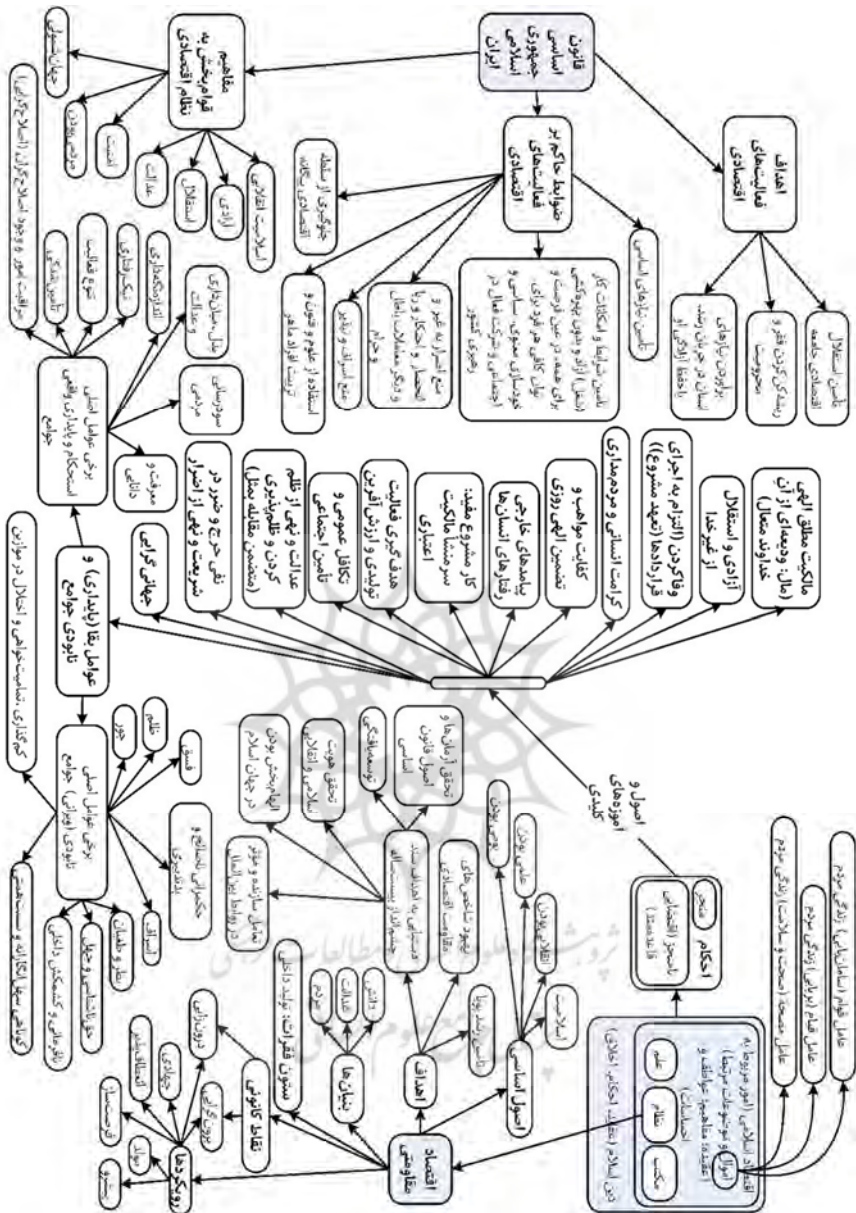
### الف. نظریه اقتصاد مقاومتی؛ نظریه پایه و شالوده‌ساز در نظریه‌پردازی حاضر

نگرش نسبتاً جامع استراتژیک به اقتصاد و ملاحظه قدرت و امنیت ملی که در مبحث "چارچوبی نظری برای اقتصاد انتظام و امنیت ملی" به نمونه‌ای از آن اشاره شد، در چارچوب اقتصاد مقاومتی قابل‌پیگیری است. اقتصاد مقاومتی، تنها شاخص و نظام اقتصادی‌ای است که ملاحظه رفتار خصمانه دشمن - به‌همراه تأثیر نوسانات طبیعی و سایر نوسانات غیرخصمانه محیط اقتصادی - در آن به‌طور آشکار رسمیت یافته و در سیاست‌های کلی آن، به "جنگ اقتصادی تمام‌عیار" دشمن و "مخاطرات و عدم‌اطمینان ناشی از تحولات خارج از اختیار" تصریح شده و "جهاد مقدس" در اقتصاد کشور مورد توجه خاص قرار گرفته و "افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور" (سیاست ۱۲) و "مقابله با ضربه‌پذیری" (سیاست ۱۳) و "تقویت فرهنگ جهادی" در اقتصاد (سیاست ۲۰) و "توان آفندی" و "رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن" و "مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی" (سیاست ۲۲) مطرح گردیده است؛ به‌عبارت‌دیگر، موضوعاتی در اقتصاد مقاومتی تصریح شده‌اند که در مفهوم و ویژگی‌های انتظام و امنیت ملی به‌نوعی مطرح هستند؛ از این‌رو، در نظریه‌پردازی حاضر، از نظریه مبنایی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان شالوده اصلی و نظریه پایه برای ارائه نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است.

در تحقیقی که دستاوردهایی از آن، به‌صورت کتاب (دری، ۱۳۹۸) با پیوست نمودارهایی تفصیلی انتشار یافت، عناصر اصلی دخیل در ماهیت و قوام (شاکله) اقتصاد مقاومتی شرح داده شد که در زیر و در قالب نمودار شماره ۱ ارائه گردیده است؛ دستاوردهایی که مبتنی بر آیات و روایات و اسناد بالادستی کشور (قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و نیز رهنمودهای مقام‌معظم‌رهبری) است.

در نمودار شماره ۱ سعی شده است تا برآیندی از محتوای سه بررسی نسبتاً گسترده منابع اصلی اسلامی، قانون اساسی و اقتصاد مقاومتی، به صورتی کلی ارائه گردد. "اصول و آموزه‌های کلیدی اسلامی" از یک سو و "اهداف فعالیت‌های اقتصادی به همراه ضوابط حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی و مفاهیم قوام‌بخش به نظام اقتصادی" جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، از سوی دیگر، به عنوان دو بخش از بخش‌های این نمودار قابل مشاهده هستند. در کنار این دو بخش، اقتصاد مقاومتی بر اساس رهنمودها و سیاست‌های کلی، قوام‌شناسی شده است. سرانجام، دو دسته عوامل "بقا (پایداری)" و "نابودی" جوامع، بر اساس آیات و روایات، معرفی شده‌اند. ملاحظه این عوامل، به نوعی جنبه امنیتی وضعیت و روند امور جوامع را ارائه می‌کند. با این ملاحظه، در حقیقت، نمودار مزبور در سطح مورد نظر، کلیتی از تأثیرگذاری امنیتی امور اقتصادی را با رویکردی مبنایی و مستند به معتبرترین منابع اسلامی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران فرارو قرار می‌دهد.

شایان ذکر است که در قرآن و روایات، برای بررسی عوامل پایداری، استحکام، تاب‌آوری و مصونیت جوامع، می‌توان از واکاوای گزاره‌های مرتبط با بقا و قوام بهره برد و برای بررسی شکنندگی، آسیب‌پذیری، نابودی، سقوط و انحطاط جوامع، از واکاوای مفاهیمی از قبیل تدمیر (سرنگونی)، اهلاک (تباہ‌سازی) و تتبیر (نابود و ویران کردن) استفاده کرد. در این میان، بررسی تاریخ اقوام و جوامع که نام و خصوصیات و رویدادهایی از آنها در قرآن ذکر شده است و سنت‌های الهی در خلال بیان سرگذشت آنها گزارش شده‌اند، بسیار پندآموز است؛ چراکه در این گزارشات، در برشماری عوامل اصلی نابودی (ویرانی) جوامع، مباحثی همچون اسراف، بطر و طغیان، حق‌ناشناسی و جهل، فسق، کوتاهی سهل‌انگارانه و سست‌همتی، حکمرانی ناصالح و بدتدبیری، نافرمانی و کشمکش داخلی، ظلم، جور، کم‌گذاری، تمامیت‌خواهی و اختلال در موازین و بی‌پایه‌گی عناصر پوشالی قدرت در بازدارندگی از سقوط به روشنی تبیین گردیده‌اند. از سوی دیگر، در بحث برخی عوامل اصلی استحکام و پایداری واقعی نیز از سودرسانی مردمی، بذل، میان‌داری و عدالت، معرفت و دانایی، اندازه‌نگه‌داری، نیک‌رفتاری، تنوع فعالیت، تأمین‌شدگی و مراقبت امور و وجود اصلاح‌گران یاد شده است.



نمودار ۱. عناصر اصلی دخیل در ماهیت و قوام (شاکله) اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد اسلامی، محتوای اقتصادی قانون اساسی، اسناد ابلاغی و رهنمودها (بر اساس آیات، روایات، اسناد بالادستی و رهنمودها)



### ب. انتزاع نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در جمع‌بندی، "نظریه‌پردازی" به‌عنوان انتزاع (بازنمایی/نسخه بدلی) واقعیت پدیده مورد نظر، متضمن عناصر قوام‌بخش و نحوه تعامل محتمل بین آنها قلمداد شد؛ از این‌رو، در نظریه‌پردازی گریزی از انتزاع نیست. در نظریه‌پردازی حاضر نیز، از برخی از مفاهیم و مراحل رویکردهای "داده‌بنیاد" و "پویایی‌شناسی سیستم‌ها" - که در نظریه‌پردازی عملی بسیار مفید و کارآمد به حساب می‌آیند - بهره‌برداری شده‌است.

توجه به این نکته مهم که برای نظریه‌پردازی درباره یک موضوع محوری<sup>۱</sup> (پدیده)، باید علاوه‌بر عناصر درونی و علی<sup>۲</sup>، عوامل زمینه‌ای<sup>۳</sup> (بستر) و واسطه‌ای<sup>۴</sup> (مداخله‌گر تسهیل‌کننده<sup>۵</sup> و موانع<sup>۶</sup>) نیز در تحلیل رفتار موضوع مورد نظر مورد توجه قرار گیرند و این امر که باید در دسته‌بندی عوامل شکل‌دهنده و تمایز آنها با پیامدها<sup>۷</sup> (عوامل پیامدی)، نظم علمی خاصی اعمال شود، از جمله دستاوردهای رویکرد "داده‌بنیاد" است که در انضباط علمی حین نظریه‌پردازی می‌تواند مفید باشد.

در معرفی مراحل "پویایی‌شناسی سیستم‌ها" در جهت بازنمایی و ایجاد تصویری بدلی اما مفید و کاربردی از پدیده مورد مطالعه، ملاحظات کارگشا وجود دارد که در مقاطع متعدد نظریه‌پردازی حاضر در خصوص اقتصاد انتظام و امنیت ملی (شناسایی و تعریف مسئله<sup>۸</sup>، مفهوم‌سازی<sup>۹</sup> و صورت‌بندی (فرموله کردن)<sup>۱۰</sup>) مفهومی سیستمی، مورد استفاده قرار گرفته‌است. بر اساس آموزه‌های اساسی پویایی‌شناسی سیستم‌ها در زمینه نظریه‌پردازی و طراحی الگو، به‌منظور شناسایی رفتار پدیده‌های واقعی، باید نسبت به ترسیم

1. Core
2. Causal
3. Context
4. Intervening
5. Facilitator
6. Obstacles / Barriers
7. Consequences
8. Problem Identification and Definition
9. System Conceptualization
10. Model Formulation

تصویری بدلی (قراردادی) از آن پدیده‌ها اقدام نمود. رفتار هر پدیده در دنیای واقعی، معلول عملکرد سیستمی با عناصری مشخص است. الگوسازی، یک فرآیند رفت و برگشتی علمی است که با شناخت و تعریف مسئله و درک سیستم آغاز می‌گردد و دارای گام‌هایی شش‌گانه‌ای است. در طراحی سیستم‌های بدل واقعیت خارجی، علاوه بر تمایز قائل شدن بین انواع عناصر دخیل و روابط اولیه آنها، بازخورها نیز باید لحاظ گردند.

"مفهوم‌سازی و صورت‌بندی الگو" ضمن مرزبندی<sup>۱</sup> الگو و بدون ورود به (صورت‌بندی) فرموله کردن مقداری مفاهیم و متغیرها، مرحله‌ای است که در نظریه‌پردازی اقتصاد انتظام و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، بسیار الهام‌بخش تلقی می‌گردد. کلیاتی از شیوه رسم نمودار در رویکرد پویایی‌شناسی سیستم‌ها برای ترسیم نمودار مفهومی‌ای که نظریه یادشده را ارائه می‌کند، مورد استفاده قرار گرفته است.

با لحاظ کردن ویژگی‌های اصلی و دارای اولویت یک نظریه مطلوب و مفهوم و ویژگی‌های انتظام ملی و امنیت ملی، از یک منظر اقتصادی، نمودار شماره ۲ به‌عنوان نموداری از نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی<sup>۲</sup> قابل ارائه است.<sup>۳</sup> سپهر علم اقتصاد، با اجزای اصلی فضای یک تحلیل اقتصادی (وضعیت و تعامل پویای داشته‌ها، اهداف و خواسته‌ها، تبدیل و ...)، فضای نمایش این نظریه بوده است که این امر در ترسیم نمودار نیز رعایت شده است.

### ۱. عناصر اصلی دخیل در نظریه

عناصر ذیل به‌عنوان عناصر اصلی دخیل در نظریه<sup>۴</sup>، شاکله نظریه را تشکیل می‌دهند:<sup>۵</sup>

- محورها و هسته‌های اساسی نظریه و نمودار (نظم، امنیت و اقتصاد)؛

#### 1. System Boundary

۲. در اصل نظریه‌پردازی، نمودار تفصیلی با جزئیاتی بسیار بیشتر در هر مورد نیز ترسیم شده است؛ اما به‌علت بزرگی نمودار و محدودیت قطع مجله، قابل ارائه نبوده است.

۳. این نمودار، با «نمودارهای تأثیر» در پویایی‌شناسی سیستم‌ها قابل تناظر است.

۴. برخی عناصر قوام‌بخش، جایگاه و نحوه تعامل محتمل و مورد انتظار عناصر تعیین‌کننده اصلی در اقتصاد امنیت و انتظام ملی.

۵. در توضیح این عناصر اصلی دخیل و جایابی آنها در روش داده‌بنیاد، به برخی مفاهیم متناظر در روش یادشده اشاره شده است.

- بستر تحلیلی انتظام و امنیت ملی در قلمرو اقتصاد (هسته اساسی اول نظریه) جمهوری اسلامی ایران؛
  - داشته‌ها که گاهی به عنوان عواملی علی می‌توانند ایفای نقش کنند؛
  - انتظام داخلی و تنظیم که در جهت برخی راهبردها انتظار می‌رود در سپهر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تولید نظم (هسته اساسی دوم نظریه) کنند؛
  - امنیت ملی جامع (هسته اساسی سوم نظریه)؛
  - امکانات و فرآیند تبدیل در عرصه واسطه‌های رفتار تعاملی هسته‌ها و عناصر نظریه؛
  - مخاطرات و موانع داخلی در عرصه مداخله‌گرهای مانع‌آفرین؛
  - مقاوم‌سازهای اقتصادی - اجتماعی<sup>۱</sup> در عرصه مداخله‌گرهای تسهیل‌کننده؛
  - تعامل جهانی در عرصه بستر و عواملی چندوجهی؛
  - وضعیت مطلوب به عنوان پیامد.
- عناصر سه‌گانه اصلی نظریه که در نمودار نیز هسته‌های اصلی جریان ورودی و خروجی تأثیرات را نشان می‌دهند، عبارت‌اند از:
- نظم - که امری انتزاعی است و به‌خودی‌خود، هویت مستقل نمی‌یابد - در قالب دو عرصه انتظام (نظم‌پذیری) و تنظیم (نظم‌دهی)؛
  - امنیت ملی با هر دو جنبه سلبی و ایجابی و سطح داخلی و خارجی؛
  - امور اقتصادی ای که وضعیت و روند دو هسته اصلی (عناصر تأثیرگذار و تأثیرپذیر کلیدی) از دریچه آنها تحلیل می‌شوند.
- بر اساس آنچه گفته شد، در نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی، به‌دنبال درک و توصیف چگونگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دو پدیده پیچیده (چندین‌وجهی) انتظام ملی و امنیت ملی، از منظر علم اقتصاد هستیم؛ علمی که سپهر آن، با پویایی‌شناسی داشته‌ها (منابع)، اهداف و خواسته‌ها، و

۱. برای آگاهی از چگونگی و اسنادهای «مقاوم‌سازهای اقتصادی - اجتماعی» و همچنین «ویران‌گرهای اقتصادی» (در قالب مخاطرات و موانع داخلی) ر. ک: درّی، ۱۳۹۸

تبدیل داشته‌ها به اهداف و خواست‌ها تعریف و ماهیت‌یابی و سازوکارشناسی می‌شود. پویایی‌شناسی یادشده با توجه به رفتار و روند متغیرها و شاخص‌هایی صورت می‌گیرد که در قلمرو علم اقتصاد شناخته شده‌اند. در تبدیل نیز علاوه بر بستر کلی و وضعیت آسیب‌پذیری یا مقاوم‌بودن (مصونیت) درونی، حفاظها و مقاوم‌سازها و نیز مخاطرات، داشته‌ها و فرآیندها و دستاوردها و نیز نحوه دستکاری (تنظیمات) متغیرهای هدف‌گذاری شده مورد توجه قرار می‌گیرند. این عناصر، در نظریه و نمودار نمایش آن، قابل‌مشاهده و قابل‌ردیابی جریان (نحوه تأثیرات علی و معلولی) است. همچنین، تمامی واژه‌های به‌کاررفته در نمودار، مستند به منابع معتبر<sup>۱</sup> و متکی بر انتزاع خردورزانه منطقی بر مبنای یافته‌های علمی<sup>۲</sup> است که ارجاعات آنها در متن حاضر یا گزارش مبسوط پروژه نظریه‌پردازی پیش‌گفته ذکر شده‌اند.

### ب. نحوه تعامل عناصر اصلی نظریه در قالب بخش‌ها و زیربخش‌ها

در نمودار شماره ۲، مختصری از بخش‌های اصلی نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی، بدون توضیحات<sup>۳</sup> عناصر اصلی و بدون زیربخش‌های لایه‌های تفصیلی، ارائه شده‌اند. همان‌گونه که در نمودار یادشده نشان داده شده‌است، جمهوری اسلامی ایران - با عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... - در خلأ زیست نمی‌کند؛ بلکه در یک محیط کلی سامان یافته و رفتار می‌کند که وضعیت و روندهای خارج از مرزها (منطقه‌ای و جهانی) نیز در این محیط تأثیرگذار است و از این‌رو، به‌هر صورت و کم‌وبیش با خارج از مرزها تعامل مؤثر دارد و با همین ملاحظه، در کنار توانمندی‌های سخت و نرمی که در عمق راهبردی فرامرزی خود داراست، در معرض مخاطرات غیرخصمانه و خصمانه خارجی نیز قرار دارد. علاوه بر مرزهای جغرافیایی، برخی پدیده‌ها و عناصر، به‌عنوان حفاظ‌هایی ضربه‌گیر (مصون‌سازها)، پناه جمهوری اسلامی ایران در برابر

۱. اعم از منابع حقوقی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی، قوانین عادی، سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز، بیانیه گام دوم انقلاب، رهنمودها و ...) و منابع علمی.

۲. همان‌گونه که در گذشته نیز به‌نوعی تصریح شد، یافته‌های «علمی»، اعم از یافته‌های معتبر علوم متعارف (بومی و غربی و ...) و دستاوردهای تحلیل‌های روش‌مند معتبر قرآنی - روایی با رعایت اصول و شیوه‌های اصیل مرتبط می‌باشد.

۳. توضیحاتی که به کل فضای یک مستطیل مربوط بوده‌اند، بدون کادر مستطیلی در کنار عنوان ذکر شده‌اند.

مخاطرات هستند. اگرچه تمرکز نظریه حاضر، بر منظر "اقتصادی" می‌باشد، اما عرصه‌های مختلف برشمرده شده اخیر، بر عرصه اقتصاد کشور نیز تأثیرگذار هستند. رسم بخش‌های نمایانگر (مستطیل‌های) این عرصه‌ها با خطوط منقطع و ذکر عنوان آنها به صورت کم‌رنگ‌تر، با انگیزه عدم تمرکز بر ترکیبات و تعاملات آنها (عوامل تشکیل دهنده و تأثیرگذار بر آنها از جمله عوامل اقتصادی) بوده است.

جمهوری اسلامی ایران و اقتصاد آن، دارای ویژگی‌های مطلوبی<sup>۱</sup> هستند که در تحلیل اقتصادی انتظام و امنیت ملی آن، باید در نظر گرفته شوند. در فضای این ویژگی‌های تعیین کننده، داشته‌هایی ملموس و نرم‌افزاری قابل شناسایی هستند که علاوه بر داشته‌های مزیت‌آفرین ملموس موجود، اموری از قبیل بنیان‌های اصولی اقتصادی و اصول اساسی اقتصاد کشور و رویکردهای اساسی اقتصادی را دربرمی‌گیرند. این امور (زیربخش‌های داشته‌ها)، در حقیقت، منابعی (مادی و غیرمادی)<sup>۲</sup> هستند که در تحلیل اقتصادی باید برای دستیابی به اهداف، مورد استفاده قرار گیرند.

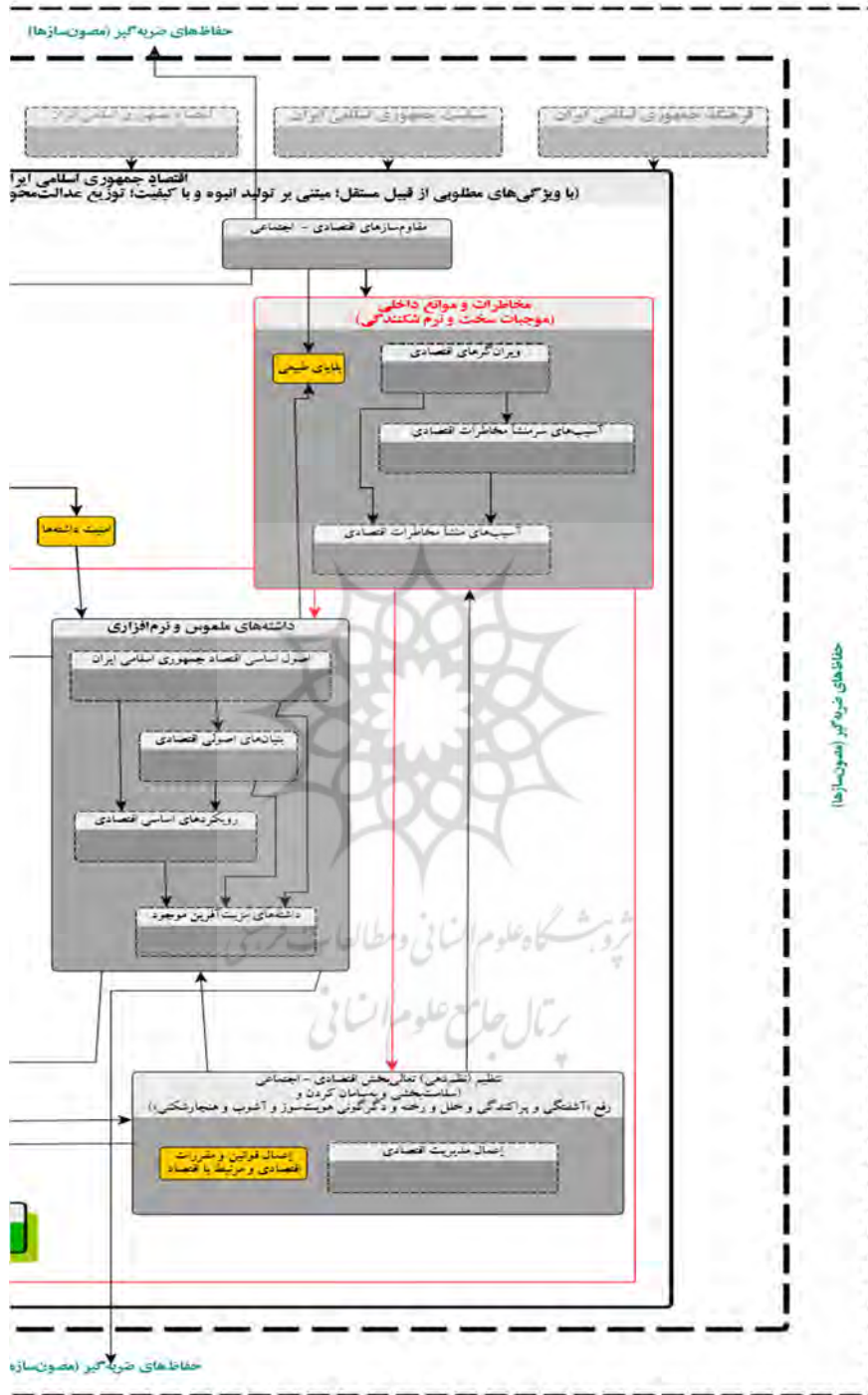
در نظریه اقتصادی، باید اهداف و خواست‌ها با صراحت و دقت تصریح گردند تا با استفاده بهینه از منابع (داشته‌ها)، در جهت دستیابی به آنها تلاش شود. هدف غائی جمهوری اسلامی ایران<sup>۳</sup>، در قالب وضعیت مطلوب، در نمودار نشان داده شده است. برای دستیابی به این وضعیت مطلوب، باید امکانات و فرآیند تبدیل، به کار گرفته شوند و تحقق یابند. "امکانات" نهاده‌های سخت و نرمی را شامل می‌شوند که در اختیار و آماده استفاده هستند<sup>۴</sup>. به علاوه، حتی با وجود در اختیار بودن و آمادگی، در صورتی که توان تبدیل کنندگی (بهره‌وری و ...) لازم وجود نداشته و به صحنه آورده نشود، تبدیل مورد نظر تحقق نخواهد یافت.

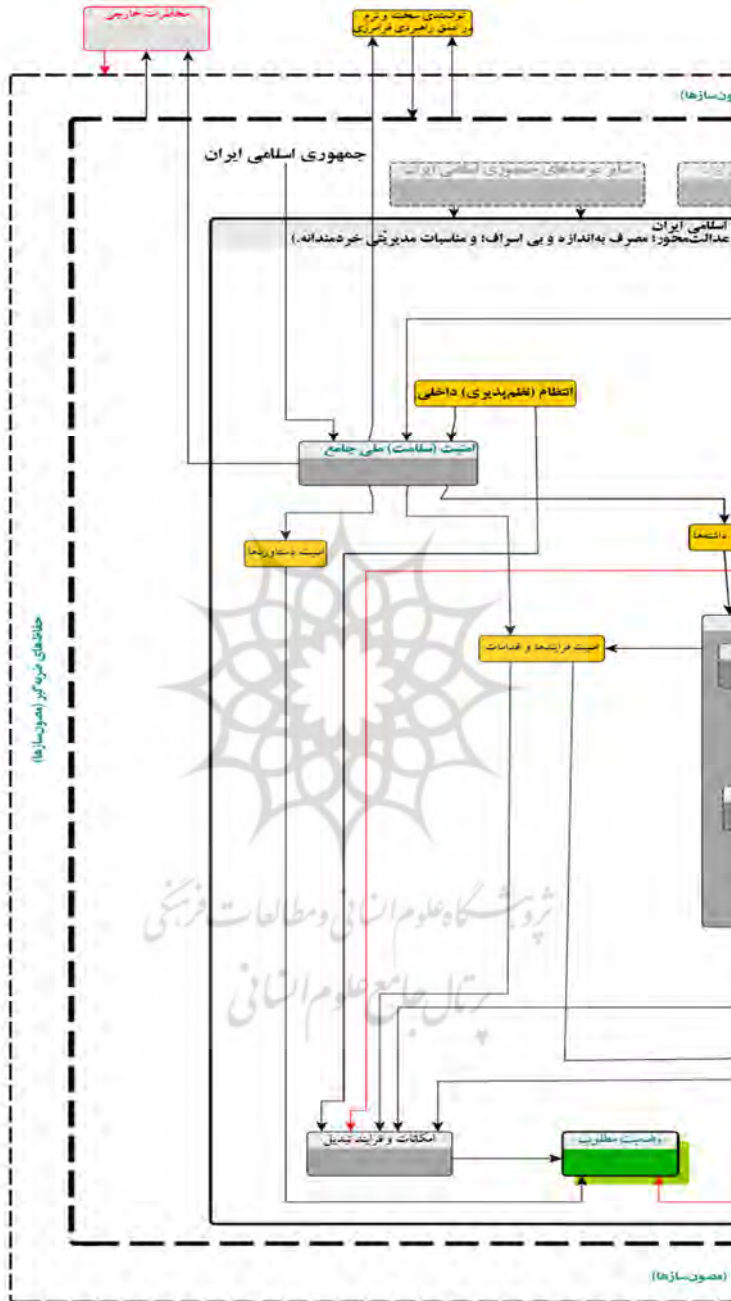
۱. این ویژگی‌های طبیعی و غیرطبیعی، شامل برخی مواهب خداداده و انباشتی تاریخی به شمار می‌روند که به نوعی می‌توانند در زمره داشته‌های کشور در نظر گرفته شوند.

۲. حقوقی، اعتقادی، معنوی، اصولی و ...

۳. در سطح مورد بحث در این مقاله.

۴. صرف وجود داشته‌ها و امکانات بالقوه، کافی نیست؛ بلکه در اختیار و آماده بودن آنها شرط لازم توانمندسازی‌شان قلمداد می‌شود. «بسج» امکانات، نوعی در اختیار قرار گرفتن و آماده‌سازی امکانات را میسر می‌سازد.





نمودار ۲. نمودار اجمالی نظریه اقتصاد امنیت و انتظام ملی جمهوری اسلامی ایران

داشته‌ها و ویژگی‌های مطلوبی که در معرض تبدیل به اهداف قرار می‌گیرند، با مخاطرات و موانعی سخت و نرم روبه‌رو می‌شوند که موجبات شکنندگی اقتصادی را فراهم می‌کنند. این مخاطرات لزوماً منشأ بشری ندارند و در مواردی، شامل بلایایی طبیعی نیز می‌شوند. همچنین، در فضای تحلیلی حاضر، نباید از "مقاوم‌سازهای اقتصادی - اجتماعی" غفلت شود. تحقق و استمرار وضعیت موجود و روندها، به برآیندی از وجود و انباشت داشته‌ها و چگونگی تبدیل‌گری‌ها که توان و اقتدار واقعی<sup>۱</sup> را بروز می‌دهند، بستگی تام دارد. تعامل عواملی از قبیل آسیب‌پذیری درونی، در معرض تهدید و مخاطره بیرونی بودن و وجود و کیفیت حفاظ و ضربه‌گیری (مصون‌سازی)، در این میان اهمیتی تعیین‌کننده دارند. آسیب‌های احتمالی نیز در قالب مخاطرات پیش‌گفته قرار داده شده‌اند. روشن است که آسیب‌های یادشده، دارای تأثیرگذاری‌های متفاوت هستند. برخی از این آسیب‌ها، منشأ مخاطره تلقی می‌شوند و برخی دیگر، سرمنشأ مخاطره هستند.

توان درونی و رفتار و روند اقتصادی، گاه ماهیتی خودجوش داشته و در مواردی نیز تابع عوامل بیرونی هستند. "مقاوم‌سازهای اقتصادی - اجتماعی" و همچنین "ویران‌گرهای اقتصادی" (در قالب مخاطرات و موانع اقتصادی)، در کنار "داشته‌های ملموس و نرم‌افزاری" و "مخاطرات و موانع" داخلی و خارجی، در پویایی شکل‌گیری و تغییرات "داشته‌ها" و "تبدیل" تأثیری تعیین‌کننده دارند و سرانجام، در یک تعامل نظام‌مند، چگونگی تحقق وضعیت مطلوب را نتیجه می‌دهند. البته این پویایی، اگرچه دارای یک سازوکار درونی قدرتمند است اما با کنش‌گری و القای تأثیرات و دخالت مستقیم و غیرمستقیم عناصر (بازیگران حاکمیتی و غیرحاکمیتی) انسانی درونی، می‌تواند تا حدی مدیریت شود. "تنظیم (نظم‌دهی) تعالی‌بخش اقتصادی و اجتماعی" به‌عنوان یکی از عناصر اصلی تعیین‌کننده نظم در کشور، در این میان می‌تواند بسیار نقش‌آفرین باشد.

۱. بنا به تعریف، «قدرت» عبارت است از ظرفیت هدایت/ اداره تصمیمات و اقدامات (خود و) دیگران و از دو عنصر «توان» و «خواست» (عزم و اراده) ناشی می‌شود. «توان»، حاصل تبدیل منابع به قابلیت‌هاست؛ درحالی‌که «خواست» مقاصد را با عزم کردن برمی‌انگیزاند (Freeman, 1997).



عنصر اصلی تعیین کننده دیگر، "انتظام (نظم‌پذیری) داخلی" است که به همراه تنظیم، وضعیت و روند نظم را در کشور شکل می‌دهند. روشن است که در صورتی که انتظام (نظم‌پذیری و آمادگی برای اتساق و سامان‌یابی و برپاشدن و ترتیب‌یافتن) در سطح مطلوب نباشد، اعمال مدیریت اقتصادی (شامل سیاست‌گذاری اقتصادی و دخالت مستقیم اقتصادی و اعمال قوانین و مقررات اقتصادی و مرتبط با اقتصاد در قالب تنظیم برای دستیابی به وضعیت مطلوب) راه به جایی نبرده یا بسیار پرهزینه (مالی و غیرمالی) خواهد بود.

از یک سو، محوری‌ترین بخش نظم عمومی، امنیت و آرامش قلمداد می‌شود و از سوی دیگر، در یک جامعه دارای نظام اجتماعی سامان‌یافته، امنیت ملی، نتیجه وجود نظم عمومی است و در واقع، امنیت و نظم، لازم و ملزوم یکدیگرند. در نمودار نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی، این هم‌پیوندی گسست‌ناپذیر نشان داده شده است. در این نمودار، همان‌گونه که بارها اشاره شده است، "نظم" به عنوان برآیندی از انتظام و تنظیم در ترتیب‌بندی و قوام‌یافتن سامان‌مند متعامل عناصر دخیل در نظریه، ظهور خارجی می‌یابد و "امنیت" (سلامت) در سه عرصه امنیت داشته‌ها، امنیت فرآیندها و اقدامات و امنیت دستاوردها شکل می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

در ارائه نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی، انتزاع (برساخته و بازنمایی بدلی) واقعیت پویای امنیت و انتظام از دیدگاهی اقتصادی (از منظر علم اقتصاد) مورد نظر بوده است. این نظریه‌پردازی، به نوعی می‌تواند با نقشه‌برداری و معماری به همراه پویایی‌شناسی، تناظر یابد. انتزاع یادشده، چون در سپهر اقتصاد شکل می‌گیرد، باید حاوی محورهای و عناصر اصلی مورد اهتمام علم اقتصاد (عناصر قوام‌بخش تعریف) باشد؛ با این ملاحظه که در همه موارد، امور و ابعاد نرم نیز باید در کنار امور و پدیده‌های سخت لحاظ گردند. داشته‌ها (منابع سخت و نرم کمیاب)، فرآیندها (در عرصه دستیابی‌ها)، امور مرتبط با تبدیل (کاربرد ... برای دستیابی ...) و جهت‌گیری‌ها به همراه جایگزینی‌ها و پیامدها (خواست‌ها و اهداف جایگزین) در این فضا باید جایگاه خود را بیابند و از آنها غفلت نشود تا فضای

متناسب با یک تحلیل اقتصادی شکل بگیرد. "شاخص و مکتب اقتصادی" و "متغیرها و شاخص‌ها" که به ترتیب روشن‌کننده فضای تحلیل و ابزارهای متناسب تحلیل اقتصادی هستند نیز در این میان، "بررسی" اقتصاد را مفهوم می‌بخشند. در این چارچوب، نقش شالوده‌ساز اقتصاد مقاومتی بارز می‌شود. آنچه گفته شد، به همراه عناصر قوام‌بخش آنها، در نظریه و نمودار ارائه شده - که همچون یک نقشه جریان ارتباطات بین عناصر را به تصویر می‌کشد - لحاظ شده است.

در یک مرور فشرده، جمهوری اسلامی ایران در مسیر دستیابی به اهداف مطلوب خود، از داشته‌ها و فرآیندها و تبدیل‌گرهایی (امکانات و فرآیندهای تبدیل) برخوردار است که هر یک به نوبه خود، می‌توانند با موانعی روبه‌رو گردند و در مخاطره قرار گیرند. البته مخاطرات، معمولاً از دریچه آسیب‌های درونی، اثرگذاری بیشتری می‌یابند.

امنیت (سلامت) جامع در هر سه بخش داشته‌ها، فرآیندها و دستاوردها باید مورد توجه قرار گیرد تا موانع و مخاطرات، باز داشته و مهار گردند. این امنیت جامع، از ویژگی‌های ممتاز جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌پذیرد و در همان حال، مقاوم‌سازهایی آن افزایش و عمق می‌یابند. این مقاوم‌سازها، علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری‌ها، برای فائق آمدن بر ناملایمات، بر توان داخلی نیز می‌افزایند. البته در این میان، امنیت ملی دارای جوانب خارجی نیز هست.

از سوی دیگر، شکل‌گیری نظم، با انتظام (نظم‌پذیری) و تنظیم (نظم‌دهی) صورت می‌گیرد و با شکل‌گیری نظم، تأمین امنیت نیز سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر و ماندگارتر می‌شود. انتظام، امنیت‌بخش است و تنظیم، مخاطرات و موانع را می‌کاهد و وجود نظم، امکانات و فرآیند تبدیل را تسهیل می‌کند.

برآیند "در معرض خطر و چالش بودن، در کنار آسیب‌پذیری" و "تاب‌آوری و مقاومت و پناه‌گیری"، می‌تواند در وضعیت و روند انتظام و امنیت ملی تعیین‌کننده باشد و برعکس. حفاظت‌های ضربه‌گیر (مصون‌سازها) در کل و همچنین، اجزای جمهوری اسلامی ایران، می‌توانند در پناه‌گیری کشور تأثیرگذار باشند.

در کنار آنچه در سپهر اقتصاد مورد توجه قرار گرفت، سایر عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و... در تعاملی پویا با عرصه اقتصاد کشور قرار دارند و در تحلیل اقتصادی انتظام و امنیت ملی، باید متناسب با جایگاهشان در عرصه اقتصاد، مورد توجه قرار گیرند.

سرانجام، همه داشته‌ها و امکانات و فرآیند تبدیل، در فضایی که بخشی از آن ترسیم شد، برای دستیابی به وضعیت مطلوب اقتصادی است و هر مقدار خدشه در انتظام ملی و امنیت ملی، به تناسب، این دستیابی را پرهزینه‌تر، کم‌عمق‌تر و ناپایدارتر می‌سازد.

آنچه گفته شد، نقشه‌خوانی مفهومی بخشی از نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بود. برای تفصیل بیشتر همین بخش، باید اجزای هر یک از عناصر برشمرده شده، به خودی خود و در تعامل با سایر اجزا، ملاحظه شوند و پویایی آنها، با ابزارهای تحلیل اقتصادی، تحلیل گردد و این امر که تحلیل از کجا آغاز شود، به کاربر نظریه و نیز جایگاه و نقش موضوع مورد توجه بستگی دارد.

از جمله نکات بارز نظریه اقتصادی حاضر عبارت‌اند از:

۱. ملاحظه روشمند ژرفای برخی آموزه‌های اسلامی - به‌ویژه قرآنی - در نظریه‌پردازی؛
۲. ابتناء بر قوانین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهای مقام معظم رهبری؛
۳. جامعیت نسبی در کنار رویکرد کلی‌نگر در سطح مورد نظر؛
۴. الهام بخشی برخی مفاهیم و فرآیند نظریه‌پردازی در دو روش علمی شناخته شده (داده‌بنیاد و پویایی‌شناسی سیستم‌ها) متضمن "شناسایی عناصر و دسته‌بندی آنها" و "پویانگری به رفتار و تعامل عناصر اصلی دخیل"؛
۵. هم‌پیوندی (به هم تافتگی) انتظام و امنیت؛
۶. قرابت بسیار نزدیک و تناظر ماهیتی جنبه‌هایی از امنیت و سلامت؛

۷. ملاحظه تعامل بین رفتارهای بشری و مقتضیات و رویدادهای طبیعی (منابع طبیعی، بلایای طبیعی و ... )؛
۸. ملاحظه گستره باطنی و اخروی در کنار ظاهری و دنیوی.
- بی‌تردید، با ارائه این روایت تخصصی نوآورانه و تاحدامکان اصیل، از نظریه اقتصاد انتظام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تلاش علمی نه‌تنها خاتمه نیافته، بلکه آغاز شده‌است. بخشی از این تلاش علمی، می‌تواند به‌صورت ذیل باشد:
۱. کاربرد نظریه حاضر در تحلیل اقتصادی یک موضوع مصداقی امنیتی - انتظامی در سطح ملی؛
  ۲. ارائه و توجیه علمی این نظریه برای مخاطبان خبره، در جهت شکل‌گیری برداشت مشترک در این زمینه؛
  ۳. تکمیل مطالعات علمی و کاربردی (خیراندیشی‌های به‌هنگام عالمانه در تراز انقلاب اسلامی، در جهت تکمیل این کار اولیه و در همان حال نوآورانه)؛
  ۴. اصلاح و تکمیل نظریه حاضر بر اساس برآیند نظرات خبرگان؛
  ۵. تفصیل و عملیاتی‌کردن و صورت‌بندی روابط و تعریف شاخص‌های مناسب در ارتباط با اجزای مندرج در نظریه؛
  ۶. ارزیابی وضعیت موجود بر اساس نظریه ارائه‌شده؛
  ۷. پیش‌بینی آینده محتمل با در نظر گرفتن طرح‌های مختلف.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- احمدوند، علی محمد؛ عرب حلوایی، امیرمسعود (۱۳۸۸)، "کاربرد روش‌شناسی پویایی سیستم در پلیس" توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۵۵ - ۲۱.
- الطباطبائی، السید محمدحسین (۱۳۹۰ ق.)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱). خدا و انسان در قرآن؛ معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار
- پارسا، فروغ (به کوشش)؛ و همکاران (۱۳۹۷). معناشناسی و مطالعات قرآنی (مجموعه درس‌گفتارها)، تهران، نگارستان اندیشه
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا؛ سرسرابی، شراره سادات (۱۳۹۰)، "معادل‌یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی"، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره ۸۶، صص ۱۰۳ - ۸۷
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جلد نهم، تحقیق: محمدرضا مصطفی‌پور، تهران، اسراء
- دانائی‌فرد، حسن (۱۳۸۴)، "تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی"، دانش‌ور رفتار، سال دوازدهم، شماره ۱۱، صص ۵۴ - ۴۱
- درزی نوگورانی، حسین (۱۴۰۱)، "بازپژوهی انتظام ملی؛ چیستی و چگونگی در جهت نظریه‌پردازی"، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۳۱ - ۵
- مدنیان، غلامرضا؛ رحمت‌اللهی، حسین؛ دامغانی؛ احمد خالقی (۱۳۹۰)، "امکان یا امتناع تبیین مفهوم نظم‌عمومی در حقوق (مطالعه در حقوق کشورهای ایران، انگلیس و فرانسه)"، پژوهش‌های حقوق تطبیقی سال پانزدهم، شماره ۷۳، صص ۶۵ - ۴۹
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (۱۴ جلد). الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

- مطیع، مهدی؛ نیکزاد حسینی، فاطمه سادات؛ آقادوستی، الهام (۱۳۹۷)، "کاربرد نظریه شبکه معنایی در مطالعات قرآنی (میدان معناشناسی امر، اراده، مشیت)"، دوفصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۲۹ - ۱۵
- یونگر، اندرو ام. (۱۳۸۶)، "تمایز اثباتی - هنجاری در علم اقتصاد و تقدم تاریخی آن بر تمایز واقعیت - ارزش"، ترجمه علی نعمتی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۱۲ - ۹۲
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، دائرةالمعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب قم
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، فراتحلیل پلیس در آیین قانون اساسی (لایه جهت‌ساز - ۵)، تهران، مرکز مطالعات راهبردی ناجا (گروه مکتب، اندیشه و نظریه‌های امنیتی - انتظامی)

#### منابع انگلیسی

- Brauch, Hans Günter (2005). Security Threats, Challenges, Vulnerability and Risks in environmental and Human Security. in International Security, Peace, Development, and Environment. Vol. I. Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS)
- Crespo, Ricardo (2017). Economics and Other Disciplines: Assessing New Economic Currents. Routledge
- Fontana, Magda (2005). Computer Simulations, Mathematics and Economics. [www.cesmep.unito.it/WP/2005/6\\_WP\\_Cesmep.pdf](http://www.cesmep.unito.it/WP/2005/6_WP_Cesmep.pdf).
- Forrester, J. W. (1991). System Dynamics and the Lessons of 35 Years. sysdyn
- Gay, Bruce (Sep. 2011). Theory Building and Paradigms: A Primer on the Nuances of Theory Construction. in American International Journal of Contemporary Research, Vol. 1, No. 2
- Ginkel, Hans Van ;and Edward Newman (2000). "In Quest of "Human Security. " in Japan Review of International Affairs, 14. 1: 79
- Henderson, James M. ; and Richard E. Quandt (1980). Microeconomic Theory: A Mathematical Approach. McGraw-Hill

- Lincoln, Yvonna S. ; and Susan A. Lynham(2011). “Criteria for assessing theory in human resource development from an interpretive perspective”. in Human Resource Development International, Vol. 14, Issue 1
- Manic, Slavica(2016). Economics Imperialism: SWOT Analysis. in Asian Economic and Financial Review, 6(3)
- Mill, John Stuart(1865). “Auguste Comte and Positivism”. in Essays on Ethics, Religion and Society. Vol. 10 of Collected Works of John Stuart Mill. Toronto University Press
- Moore, Michael Grahame(January 1991). “Editorial: Distance education theory”. in American Journal of Distance Education, Vol. 5, No. 3
- Moustafa, Alaa Eldin(2014). Definitions of Theory and Theory-Building Related Concepts. Munich, GRIN Verlag.  
<https://www.grin.com/document/285956>
- O’Raghallaigh, Paidi; and David Sammon; and Ciaran Murphy(January 2010). “Map-Making and Theory-Building: Principles for Achieving Presentation and Content Effectiveness”. in Conference: Proceedings of the International Conference on Information Systems, ICIS 2010, Saint Louis, Missouri, USA, December 12-15, 2010
- Retter, Lucia; and others(2020). Relationships between the economy and national security: Analysis and considerations for economic security policy in the Netherlands. Santa Monica, CA: RAND Corporation.  
[https://www.rand.org/pubs/research\\_reports/RR4287.html](https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR4287.html)
- Secretary General’s High-level Panel of United Nations(2004). A more secure world: Our shared responsibility. Report of the High-level Panel on Threats, Challenges and Change
- Seymour, Lee J. M. (2000). Unita Diamonds: The Political Economy of Diamonds and Violence in Southern Africa. Department of Political Science, Dalhousie University

- Simmonds, Lynn; and Anne Kazimirski(2016). What does good economic analysis look like?. New Philanthropy Capital(NPC)
- Thalheim, Bernhard(2011). “The Theory of Conceptual Models, the Theory of Conceptual Modelling and Foundations of Conceptual Modelling”. in Handbook of Conceptual Modeling. Springer
- Thomas, Jason(August 2017). “Scholarly Views on Theory: Its Nature, Practical Application, and Relation to World View in Business Research”. in International Journal of Business and Management, Vol. 12, No. 9
- Torraco, Richard J. (Aug. 2002). “Research Methods for Theory Building in Applied Disciplines: A Comparative Analysis”. in Advances in Developing Human Resources, Vol. 4, No. 3
- van der Voordt, Theo J. M. ; and others(2005). Architecture In Use: An Introduction to the Programming, Design and Evaluation of Buildings. Routledge